

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

تظا هرات و راهپیمائی صدها هزار نفر بمناسبت گرامی داشت خاطره

شهدای ۱۵ خرداد

روز مردمی که دلوران در برابر جورو و بیداد گری رژیم خونخوار و سرمایه داران وابسته برخاسته بودند به فرمان شاه و بدست فرماندهان و افسران ارتش قتل عام شدند. در این روز هزاران تن از زنان و مردان زحمتکش ایران در خون پاک خود بقیه در صفحه ۲

امیرالیزم آمریکا پراست از روزهای حماسه دلاوری و از جان گذشتگی خلقی ستم دیده و همراه با آن پراست از وحشیگری ها، شکنجه ها و قتل عام ها و جنایات تکان دهنده امپریالیسم و نوکران داخلی پانزدهم خرداد هزار و سیصد و چهل و دو نمونه بارزی از این روزهاست. در این

بزرگداشت شهدای پانزدهم خرداد روز سه شنبه در تهران و شهرستانها طبعاً اجتماعات و راهپیمائی های صدها هزار نفری ضد امپریالیسم و با شعارهایی علیه آمریکا و اسرائیل برگزار شد. در تهران راهپیمایان و تظاهرات کردند - کان که از طرف حزب جمهوری اسلامی و نیروهای ملی و مترقی دعوت شده بودند از هشت نقطه به طرف میدان سپهر رفتند. در میدان سپه بعد از پیام انقلاب فلسطین و نهضت اسلامی قبلی پین، قطعاً مسه ای خوانده شد.

دز قطعاً به پانزدهم خرداد دیکته شده است که چپا و لگران جهانی بخصوص آمریکا بدانند که توطئه های پیشمانه آنها و تبلیغات مغرضانه شان علیه نهادهای انقلابی ما را بیش از پیش در حراست از دستاوردهای انقلاب اسلامی خویش ستوارتر و کوشا تر خواهد ساخت.

ننگ بر امپریالیسم آمریکا و جلادانش

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران برای گرامی داشت خاطره شهدای پانزدهم خرداد بیانیه ای منتشر کرد که در زیر می خوانید:

در تاریخ مبارزات میهن ما، روزهایی که قهرمانان و جانباختگان مردم از یک سو و چهره زشت و بیدادگر امپریالیسم و عمالش از سوی دیگر به تمامی جلوه گر شده اند بسیار است. تاریخ مبارزات مردم ستم دیده ما خصوصاً در دوره سلطه

حمایت از حقوق خلقها
ضامن یکپارچگی ایران است

تقریباً از هنگامی که حق خود مختاری خلقها در سطح جامعه مطرح شده است، برخی از مقامات و مسئولان دولتی کوشیده اند بامارک " تجزیه طلبی " و " توطئه " و امثال آن این حقوق ابتدائی و مسلم خلقهای ایران را لوث کنند و این به گمان ما دقیقاً همان شیوه های گذشته است که دیدیم چه کسانی از آن حمایت می کردند و به رسمیت شناختن حقوق خلقها را به زیان منافع خود می دیدند و امروز همه می دانیم که روش های آنها هرگز نتوانست خلقها را از مبارزه در راه حقوق مسلمشان بازدارد.

بدون تردید اگر حقوق مسلم خلقها به رسمیت شناخته نشود و اگر دولت همین رویه ای را که در پیش گرفته است، ادامه دهد، علاوه بر وحدت خلقها و یکپارچگی ایران آسیب جدی وارد خواهد ساخت و زمینه را برای فعالیت نیروهای ارتجاعی و امپریالیسم که در کمین نشسته است تا از آب گل آلود اختلافات قومی و ملی بهره برداری کند، فراهم خواهد ساخت.

حوادث شوم خوزستان که تاکنون صدها تن کشته و زخمی به جای گذاشته و آتش کینه و نفرت را در میان مردم برانگیخته است بار دیگر نشان می دهد که مساله خلقها یکی از جدی ترین مسائلی است که باید با مسئولیت تمام بدان برخورد کرد و هر چه زودتر حقوق مسلم خلقها را به رسمیت شناخت.

امروز ما به وضوح می بینیم که نمایندگان خلق عرب مرتباً تجزیه طلبی را محکوم می کنند و آن را توطئه امپریالیسم می خوانند و خواستار حقوق حقه خود در چهارچوب ایرانی یکپارچه، مستقل و آزاد هستند، اما نمایندگان رسمی دولت در هر فرصتی به خواسته های خلق عرب مارک های رنگارنگ می چسبانند و بدینسان می کوشند خواسته های برحق خلق عرب را لوث کنند و این از دیدگاه ما رویه ای است که می تواند عواقب وخیم برای ایران در پی داشته باشد. ما معتقدیم که برای حل واقعی مساله خلقها باید حق خود مختاری آنان را در چهارچوب ایرانی یکپارچه و متحد مورد تأیید و پشتیبانی قرارداد، در غیر این صورت فاجعه خوزستان پایان فاجیع نخواهد بود و تخم کینه و نفاق می تواند ایران را در کام جنگ شوم داخلی فروبرد.

اتحاد کارگران ضامن پیروزی آنهاست

دشمنان سوگند خورده کارگران میهن ما کارگران ادامه دهند. به محض اینکه یعنی سرمایه داران وابسته، کارگران رژیم کارگران خواسته های برحق خود را مطرح بپیش و همه مرتجعین اقدامات وسیعی را کنند می گویند که آنها " کمونیست" برای تفرقه انداختن در میان کارگران هستند.

آغاز کرده اند. اکنون این سؤال برای کارگران توطئه های نفاق افکنانه کارفرما - پیش آمده که چرا وقتی پای خواسته های یان و حامیان آنها در میان کارگران یکی دیگر از شیوه هایی است که آنها در پیش گرفته اند تا مانع از آن شوند که کارگران یکپارچه و متحد برای احقاق حقوق خود اقدام کنند. امروزه کارفرمایان و حامیان تبلیغات وسیع و گسترده ای را بر علیه آنها می کوشند که در کارخانه ها عده ای از آنها آغاز کرده اند؟ چرا در حالی که مبارزه کارگران را به نام کارگران مذهبی در برابر همه مردم باید بر علیه امپریالیستها عده ای دیگر بنام کارگران غیر مذهبی و سرمایه داران وابسته متوجه باشند، قرار دهند تا شاید بتوانند در میان کوششهایی صورت می گیرد که این مبارزه کارگران تفرقه بیندازد و به استعمار بقیه در صفحه ۲

جان حماد شیبانی در خطر است

حماد شیبانی، چریک فدائی خلق که سالها با رژیم شاه و دولت صهیونیستی اسرائیل جنگیده است امروز در زندان به سر می برد. حماد به خاطر اعتراض به بازداشت بی دلیل خود از دهم خرداد در اعتصاب غذا است و متأسفانه به خاطر عدم رسیدگی مقامات و عدم مراقبت های پزشکی جان حماد در خطر است.

کشتار خلق عرب خیانت به خلقهاست

می شوند. بدنبال این واقع سازمان مذکور به شدت به دستگیری اعضا خود اعتراض می کند و خواستار آزادی آنها می شود. پس از مدتی افراد مذکور خلع سلاح شده و آزادی شون شد. دستگیری ۳ نفر از اعضا " سازمان سیاسی خلق عرب خوزستان " به تشنجات موجود دامن می زند.

بابازگشت شیخ محمد طاهر شبر آل خاقانی که برای مذاکره پیرامون مسائل مربوط به خلق عرب خوزستان به تهران رفته و سفر کرده بود عده ای امید داشتند که مسائل مورد اختلاف حل می شود، اما این مذاکرات به نتیجه نرسید و تحریکات و کارشکنی افرادی که همیشه در پی تفرقه اندازی در صفوف خلق ما هستند ادامه یافت. بقیه در صفحه ۲

وقایع اخیر خوزستان که منجر به شهید شدن تعداد زیادی از هم میهنان ما شده است یکبار دیگر ثابت می کند که مسئله خلقها را نمی توان به توسل به زور و با برچسب های تحریک کننده و توطئه گرانه حل کرد. سرکوب خلقها جز اینکه کینه و دشمنی را برانگیزد و به اتحاد و یکپارچگی خلق های میهن ما آسیب برساند نتیجه ای نخواهد داشت. ما در این شماره خلاصه ای از وقایع خرمشهر را تا آنجا که اطلاعات مستندی به ما رسیده است، در اختیار خوانندگان قرار می دهیم و شرح کامل وقایع اخیر خوزستان را در آینده به چاپ خواهیم رساند.

صبح روز دوشنبه هفتم خرداد سه نفر از اعضا " سازمان سیاسی خلق عرب خوزستان " توسط پاسداران و کماندوهای ارتش دستگیر و به مرکز دژبان منتقل

بدون مجلس مؤسسان
حقوق مردم ایران پایمال میشود

زاهدی، شاپور بختیار و... صادر شد است پانه؟ چه کسی مخالف اعدام این خائنین است؟ مجلس موسسان به چه سرنوشتی دچار خواهد شد؟ و این همه قول و قرارها درباره این مجلس به کجا خواهد رفت؟ این سئوالات و هزاران سؤال نظیر اینها برای مردم بی جواب مانده است، هیچ کس خودش را مسئول پاسخ به مردم نمی داند و احساس مسئولیت نمی کند. از میان سئوالات فوق در مقطع تاریخی کنونی این سؤال حائز اهمیت زیادی است که:

امروزه مردم از خود می پرسند: " به حرف چه مقامی باید اعتماد کرد؟ حرف دولت موقت و سایر مقامات تا چند روز اعتبار دارد؟ نقش دولت موقت تا چه اندازه است؟ تکلیف مردم در مقابل این همه مطالب ضد و نقیض که در مطبوعات و رادیو تلویزیون از زبان خود مقامات می شنوند چیست؟ کدام را باور کنند؟ ادعای وزیر امور خارجه دکتربیدی را باور کنند یا اظهارات رئیس دادگاه انقلاب یا حاکم شرع را؟ بالاخره حکم اعدام غیبی خائنینی نظیر محمد رضا پهلوی فرح پهلوی، اشرف پهلوی، اردشیر

آیا دموکراسی میتواند برای مدتی طولانی دوام پیدا کند؟

چهارچوب رژیم سرمایه داری به عهد دارند. دادگاهها و قضات بطور نسبی استقلال عمل دارند و در حوزه قوانین موضوعه (که حافظ منافع سرمایه داران می باشند) می توانند آزادانه عمل کرده و حقوق فردی و اجتماعی افراد و موسسات را حفظ نمایند. قوه مجریه نیز بالنسبه مستقل از سایر قوا، وظیفه اجرای قوانین را بعهده دارد، پلیس و ارتش بعنوان ابزار اصلی سرکوب، ضمن اجرای قوانین سرمایه داری هستند. در چنین سیستمی، جناحهای مختلف سرمایه داران آزادانه باید یکدیگر را رقابت می نمایند. قوانین موضوعه از طرف دولت به رسمیت شناخته شده و نمایندگان گذراندن قوانین گوناگون مملکتی را در

آبادی ایران دموکراسی می تواند برای مدتی طولانی دوام پیدا کند؟ روبروی سیاسی در هر جامعه انعکاسی از روابط طبقاتی حاکم در جامعه است. در یک جامعه سرمایه داری کلاسیک، هنگامیکه تضادهای اجتماعی و مبارزه طبقاتی حدت نگرفته است، رژیم حاکم می تواند از طریق روشهای بظاهر دموکراتیک بر مردم حکومت نماید. در چنین حالتی، قانون اساسی و سایر قوانین جامعه، حدود اختیارات و وظایف افراد و موسسات اجتماعی را تعیین می کنند. اهالی مملکت می توانند از طریق انتخابات به صلاح آزاد و دموکراتیک، هر یک از نمایندگان سرمایه داران را که می خواهند انتخاب نمایند و مجالس قانونگذاری وظیفه گذراندن قوانین گوناگون مملکتی را در

فرماندهان ارتش هنوز خواب دوران شاهنشاهی را می بینند

فرماندهان ارتش دوباره گستاخی را آغاز کرده و به تهدید، ارعاب و عوام فریبی پرداخته اند. آنها در پی تفرقه انداختن می کوشند سیستم اطاعت کورکورانه و شستشوی مغزی زمان شاه را زنده کنند. در اینجا دو نمونه زیر لازم است.

۱- سرتیپ امیر رحیمی، درجه داران و پرسنل نظامی ارتش را که در دفاع از دستاوردهای انقلاب، خواستار لغو اطاعت کورکورانه هستند، تهدید می کند و به استناد قوانینی که کارشناسان امپریالیسم آمریکا و صهیونیستها در ارتش شاهنشاهی تدوین کرده اند، سربازان، درجه داران و افسران را به سرکوب تهدید می کند و در کمال وقاحت می کوشد شیوه ها و قوانین ضد مردمی و جنایتکارانه سابق را زنده کند، قوانینی که برای

پیروزی کارگران بر حیل و ارباب کارفرما

این شرکت حدود سال ۱۳۳۴ بانام آنتروپوز و سرمایه فرانسوی در ایران تاسیس شد و در سال ۱۳۵۱ قسمتی از فعالیتهای آن به شرکت فسان که ظاهره ایرانی بود واگذار شد. کار این شرکت بیشتر طرح های بزرگ ساختمانی و خط لوله گاز است. تعداد کارگران این شرکت در سال ۱۳۵۶ حدود ۸۵ نفر بود. با شروع بحران، سرمایه داران برای حفظ منافع خود و بدون توجه به حقوق کارگران به اخراج تدریجی آنها پرداختند. از مهر سال گذشته کارفرما از نبودن مرجعی برای احقاق حقوق کارگران استفاده کرد و آنها را با حداقل مزایای اخراجی (به ازاء هر سال سابقه کار ۵ روز حقوق) مجبور به تصفیه حساب کرد و در آبانماه شرکت را تعطیل کرد. در گذشته کارگران فقط یک نماینده داشتند که از طرف کارفرما انتخاب شده بود. بقیه در صفحه ۵

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر



سرمایه دار وابسته

در مقابل

سه هزار کارگر

تهران - در حالیکه کارگران برای بدست آوردن حقوق خود و نظارت و مشارکت در تولید کارخانه ها و ایجاد شوراها و تشکیلات کارگری مبارزه می کنند، سرمایه داران نیز به مخالفت و "نقشه کشی" برای مقابله با خواسته های برحق کارگران ادامه می دهند.

"حاجی برخوردار" مالک کارخانه پارس الکتریک که بخاطر وابستگی به سرمایه داران امریکائی و صنایع مونتاژ و یکیدن خون کارگران دارای میلیاردها تومان ثروت شده یک نمونه از سرمایه دارانی است که اکنون نیز (پس از انقلاب مردم ایران) همچنان به مبارزه با کارگران ادامه می دهند و مثل گذشته بر "خرماد" سوار هستند.

"حاجی برخوردار" که "برخوردار" از حمایت دولت و وزارت کار و بعضی از کمیته ها است تاکنون حاضر نشده است خواسته های اساسی کارگران را بپذیرد.

کارگران کارخانه پارس الکتریک در جلسه مجمع عمومی روزنهم اردیبهشت خود ضمن بیان مطالب بالا و افزایش اعمال حاجی برخوردار و وابستگی او به بعضی از مقامات فعلی (که پرداخت کم کارکنان را ۲۰ میلیون تومانی اش در آغاز قیام یک نمونه از آن است) خواسته های خود را مطرح کردند. یکی از اعضای شورای کارگران در این جلسه گفت:

"ما خواسته های ده ماده ای خود را که قبلاً تنظیم کرده بودیم با کارفرما در میان گذاشتیم ولی او به غیر از چند مورد جزئی حاضر به پذیرفتن خواسته های ما نشد. یکی از مهم ترین خواسته های ما به هم پیوستن قسمتهای تولید کارخانه شرکت خدمات پارس (وابسته به کارخانه پارس الکتریک) است که روییم رفته نزدیک به سه هزار کارگر دارد.

همه ما می دانیم که حاجی برخوردار سه سال پیش بخاطر پراکنده کردن کارگران و بدست آوردن سود بیشتر این دو قسمت را از هم جدا کرد، در حالیکه مسائل مشترکی داریم و باید با هم مشکل شویم. ما به مبارزه برای متشکل شدن خود ادامه می دهیم و چنانچه کارفرما حاضر به پیوستن این دو قسمت نشود باید دست کشیدن از کار و اقدامات قاطع این کار را عملی می کنیم."

وی افزود:

"کارخانه درآمذیاری دارد و در چندماه گذشته با افزایش قیمت تلویزیون و ایجاد بازار سیاه این درآمد افزایش پیدا کرده است. ما حق خود را می خواهیم و دیگر اجازه نمی دهیم کارفرما این درآمد های سرشار را که حاصل کار و زحمت ماست به جیب بزند."

لازم به یادآوریست که قسمت تولید کارخانه در حدود ۲۵۰۰ کارگر و شرکت خدمات پارس که کارش تعمیر وسایل الکترونیکی است بیش از ۳۰۰۰ کارگر دارد. چند ماه پیش شورا های این دو قسمت نمایندگان خود را که به ترتیب ۱۰ و ۱۰ نفر هستند انتخاب کردند و یکی از وظایف خود را به هم پیوستن این دو قسمت قرار دادند. شوراها به افشا و پاکسازی کارخانه ها از مدیران و سرپرستان مزدور ادامه می دهند و توانسته اند بعضی از خواسته های کارگران مانند اضافه دستمزد ۳۵٪ روز را عملی کنند.

حاجی برخوردار تلاش می کند میان کارگران تفرقه بیندازد و تاکنون چند بار شوراها را تهدید کرده و گفته است آنها را به رسمیت نمی شناسد. کارگران کارخانه پارس الکتریک که در سالهای گذشته نیز علیه کارفرما مبارزه کرده و چندین بار بطور متشکل و یکپارچه قیام کرده اند، همچنان به مبارزه خود ادامه می دهند.



گسترش اعتصابات در کارخانه ها

گسترش اعتصابات در کارخانه ها

در هفته های اخیر تعدادی از کارخانه ها اعتصابات کارگری فراگرفته است. موج این اعتصابات در حال گسترش است و کارگران در برابر ناپی گیری و بی تصمیمی دولت نسبت به خواسته های ضدامپریالیستی و بطور کلی عدم تحقق خواسته های سیاسی و اقتصادی شان با اعتصاب روی آورده اند تا با استفاده از شیوه های قاطع تر در جهت رسیدن به خواسته های خود گام بردارند.

اکنون این سؤال پیش می آید که چرا کارگرانی که در سرنگونی رژیم سلطنتی نقشی قاطع داشتند و تازه مدتی کوتاه از قیام خلق می گذرد، این چنین سریع به حربه اعتصاب روی آورده اند.

واقعیت اینست که وقتی کارگران می بینند دولت از منافع امپریالیست ها و سرمایه داران وابسته دفاع می کند، سرمایه های امپریالیستی و وابسته راضی نمی کند و به عوض در نظر گرفتن منافع کارگران و تلاش در جهت بهبود زندگی آنها، جانب سرمایه داران وابسته را می گیرد و قوانین و مقررات کار گذشته را به آنها تحمیل می کند. کمترین گزشتی نمی کنند و به شیوه های مختلف از جمله اعتصاب و اشکال عالی تر مبارزه برای گرفتن حقوق خود متوسل می شوند. اما اگر دولت دست به اقدامات قاطع ضد امپریالیستی می زد سرمایه های وابسته راضی می کرد و کاملاً منافع کارگران و زحمتکشان را در نظر داشت، در آن صورت همانگونه که تجربه بسیاری از کشورهایشان داده است طبقه کارگر هرگونه سختی را تحمل می کرد و در راه احیاء اقتصادی از هیچ کوششی فروگذار نمی کرد.

تهران - کارگران شرکت پارک پرنس آرمه، برای بدست آوردن حقوق خویش و بازگشت به کار همچنان در تحصن به سر می برند. نمایندگان این کارگران مذاکراتی با نمایندگان کارفرما و وزارت کار داشته اند که به نتیجه مطلوب نرسیده است.

تهران - روز یکشنبه سی ام اردیبهشت ماه (۲/۳۰) کارآموزان دوره بیست و دوم آموزشگاه تراکتورسازی تبریز به عنوان اعتراض به محدودیت کارآموزی دست از کار کشیدند. کارآموزان خواستار تغییر مدت کارآموزی از یکسال در شش ماه هستند. مدیر آموزشگاه در قبال این مسأله مسئولیتی را قبول نکرد و منتظر هیئتی است که از تهران برای بررسی این مسأله به تبریز برود. به هر حال کارآموزان فعلاً کار نمی کنند.

وещنان روشن شود. در ضمن بیست نفر از کارکنانی که دوره سرپای را انجام نداده اند پانزده برخی شان تا دو سال سابقه کار دارند می خواهند اخراج نمایند و از اول خرداد حقوق آنها پرداخت خواهد شد.

تهران - کارگران شرکت پارس الکتریک که در گذشته دست به اعتصاب زدند. آنها خواستار روشن شدن وضع مالکیت کارخانه در زمینه خصوصی یا دولتی بودن آن شدند. کارگران اعتصابی همچنین، خواهان اخراج کسانی شدند که بوسیله سرگرد وکیل، رئیس حفاظت سابق شرکت (معاون ساواک خرم آبداد) استخدام شده اند.

دریافت ۷۵۰۰ ریال اضافه حقوق که شش ماه است به آنها پرداخت نشده است. خواست دیگر کارگران است.

اهواز - (به نقل از نشریه فولاد) کارگران ماشین سازی پارس اهواز (وابسته به صنایع فولاد) به علت نپرداختن اضافه حقوق که ماههاست از موعود آن می گذرد دست از کار کشیدند. کارگران برای ادامه اعتصاب خود صندوق کمک برای کارگران بی پول تشکیل دادند تا بتوانند در سایه همستگی و رفاقت به مبارزه خود تاپیروزی ادامه دهند.

تهران - کارگران هتل بین المللی برای بازگشت به کار و تعقیب با تا نعلیق صاحب هتل که از وابستگان دیار است متحصن شده اند.

هموطنان مبارز! پیشنهادات و نظریات انتقادی خود را به آدرس زیر ارسال نمایند.

تهران - خیابان بلوار، خیابان فدائی (میکده سابق) ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران: تلفن ۶۵۹۹۹۹

آدرس بانکی سازمان چریکهای فدائی

خلق ایران. تهران - بانک ملی ایران، شعبه دانشگاه: شماره حساب ۳۲۰۹۸

بنام عباس فضیلت کلام

از کلیه هموطنان مبارز خواهشمندیم، فیش بانکی کمکهای مالی خود را که به بانک واریز شده است مستقیماً برای ستاد ارسال دارند.

کارگران مس سرچشمه کرمان

عاملان حمله به خوابگاه کارگران باید تعقیب شوند

۴- کاهش ساعات کار و ازده ساعت به هشت ساعت در روز و چهار روز تعطیل در ماه.

۵- تعهد یکساله ای که کارفرما از کارگران برای حقوق ثابت گرفته باطل شود.

ضمناً کارگران در تلاش هستند تا سندیکی خود را برای پیگیری خواست هایشان بوجود آورند.

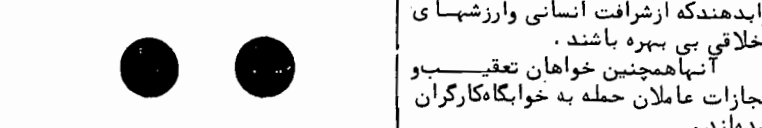
● عصر روز شنبه ۲۲ اردیبهشت - واقعه ای در خوابگاه کارگران مس سرچشمه کرمان به وقوع پیوست که مورد اعتراض شدید کارگران قرار گرفت و منجر به راهپیمائی و شکایت گروهی از کارگران به دادگاه و فرمانداری رفسنجان شد. این واقعه نمایانگر اعمال خلاف و ضد کارگری کسانی است که می پندارند هنوز در زمان "آریامهر" به سر می برند و می توانند باز برپا گذاشتن حیثیت و شرف کارگران به هر عمل کثیف و ذلیلانه ای دست بزنند. در این روز چند تن از نگهبانان مجتمع مس سرچشمه در بازرسی بدنی دو تن از کارگران تعدادی از ابزار و وسایل کار آنها را به اتهام اینکه می خوا - هند این ابزار را محل مجتمع خارج کنند می گیرند. بدنبال این جریان معاون مدیر عامل بنام "بهلول رساور" دستور بازرسی کامل خوابگاه کارگران را صادر می کند. بلافاصله پس از این دستور گروهی از پاسداران به اتفاق شخصی به نام احمد کاشف (از اعضای حفاظت سابق و دوست نزدیک سرهنگ تاجفر رئیس حفاظت سابق که اکنون زندانی است) به محل خوابگاه حمله می کنند. کارگران در برابر این اقدام غیرانسانی مقاومت می کنند اما مهاجمین با شکستن چند پنجره داخل خوابگاه می شوند و ضمن آهانته به کارگران مشغول زیر و رو کردن اثاثیه آنها می شوند مهاجمین حتی آلبوم عکسهای خانوادگی کارگران را نیز بازرسی می کنند.

کارگران که از این عمل ناخوارندانه به شدت خشمگین شده بودند روز بعد دست به اعتراض می زنند و اقدام به راهپیمائی به طرف شهر می کنند. هنگام خروج از دروازه معدن در رفسنجان پاسداران مسلح، کارگران را محاصره می کنند اما کارگران به حرکت خود ادامه می دهند و گروهی از آنها با مینی بوس خود راه شهر می رسانند و ضمن مراجعه به ستاد انقلاب خواهان تعقیب عاملان این واقعه شرم آور می شوند ولی چون به خواست آنها توجه نمی شود به دادگاه کرمان و فرمانداری رفسنجان مراجعه و علیه مهاجمین شکایت می کنند.

کارگران شرکت ملی صنایع مس ایران در بیانیه ای ضمن محکوم کردن این عمل ضد کارگری و غیرانسانی که تجاوز آشکار به حقوق دمکراتیک کارگران است یاد آور شدند تنها کسانی می توانستند اینگونه اتهامات را به کارگران بزنند و به خود اجازه بازرسی محل زندگی کارگران را بدهند که از شرافت انسانی و ارزشهای اخلاقی بی بهره باشند.

آنها همچنین خواهان تعقیب و مجازات عاملان حمله به خوابگاه کارگران شده اند.

بیانیه شورای کارمندان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در بیانیه ای به اتهامات هیات مدیره شرکت نسبت به شورا که در نشریه های ۱۹ و ۲۰ اردیبهشت منعکس شده، اعتراض کرده و اعلام داشته اند چنانچه مدیران شرکت حاضر به شناسایی شورا که از طرف کارمندان انتخاب شده اند، نشود، علیه آنها اعلام جرم خواهند کرد.



پیام اتحادیه کارگران بوکان به کارگران روستائی

بوکان - "اتحادیه کارگران بوکان" در پیامی خطاب به کارگران بیکار روستائی ضمن اعلام پشتیبانی از خواسته های روستائیان و یادآوری این نکته که صفوف کارگران، چه شهری و چه روستائی یکی است نوشته اند:

"رفقا و همزنجیران روستائی، ما دروهای رفیقانه خود را نثار شما می کنیم و اعلام می داریم تقسیم کارگر به شهری و روستائی به این بهانه که آنها را از حقوق اجتماعی محروم کنند، تقسیم موزیانه ای است که باید متحداً علیه آن مبارزه کنیم. ما در دو خواسته های مشترک و سرنوشت مشترک داریم و این سرنوشت ما را به راه عمل مشترک می گشاند.

در قسمت دیگری از این پیام آمده است:

"ما بیکاری و بی چیزی شما کارگران روستائی را با پوست و استخوان خود احساس می کنیم و اقدامات عوامل رژیم گذشته را که با سکوت دولت مشغول توطئه در روستاها هستند محکوم می نمایم. ما صریحاً اعلام می کنیم که اینگونه تحریکات نه می تواند راه ما را تغییر دهد و نه قادر است شکم کودکان ما را سیر کند. ما دوست و دشمن را از هم باز می شناسیم و توطئه گران را رسوا می کنیم."

فعالیت خود را به سندیکا محدود نکنیم

ناظم حکمت

بانک رسای همبستگی بین المللی
کارگران و زحمتکشان



ناظم حکمت، نویسنده، شاعرو انقلابی بزرگ ترک در سال ۱۹۰۲ در استانبول به دنیا آمد. از همان کودکی ونوجوانی به شعر علاقه فراوان داشت. در ۱۸ سالگی شعر بلندی علیه اشغالگران و وطنش سرود و بهدنگ از سوی انگلیس ها تحت تعقیب قرار گرفت. در ۱۹ سالگی به شوروی رفت و در دانشکده مسکو، در رشته جامعه شناسی فارغ التحصیل شد. پس از آن به کشور خود بازگشت.

اوزندگی بسیار بی سامان و سرشار از تلخی ورنج داشت. برای گذران زندگی خود به کارهای گوناگونی دست زد. مانند نوشتن در روزنامه ها، کار در چاپخانه ها و دوبله کردن فیلم در استودیوها.

در سال ۱۹۳۸، همزمان با اوگیری روزافزون نهضت آزادی خلق ترکیه یورش نیروهای فاشیستی حاکم به انقلابیون نیز آغاز شد. ناظم حکمت، که تمام نیروی ذهنی و هنر خلاق خود را در خدمت مبارزه مردمش علیه نیروهای اهریمنی فاشیسم قرار داده بود، در این سال در یک دادگاه سری نظامی به اتهام " تبلیغات کمونیستی در ارتش" به ۲۸ سال زندان محکوم شد. او در دادگاه از خود دفاع و آرمان های اجتماعی قهرمانانه به دفاع برخاست. تبلیغ در راه پیروزی کمونیسم را پذیرفت، اما غیرقانونی بودن آن را هرگز.

اوسیزده سال تمام همراه با گرسنگی بیماری، شکنجه، تهدید به مرگ هزاران نیرنگ فاشیستی دیگر در زندان به سر برد و سرانجام در سال ۱۹۵۱ پس از آنکه تمامی نیروهای مترقی جهان یکپارچه به دفاع از او برخاستند و دولت ترکیه را برای آزاد کردنش تحت فشار گذاشتند. از زندان آزاد شد. او بازم در ترکیه تحت نظر بود و ناچار شد از ترکیه به گریز تابتواند مبارزات بی امانش را علیه فاشیسم، ارتجاع و تمامی نیروهای ضد مردمی در پهنه وسیع تری دنبال کند.

ناظم حکمت در سال ۱۹۶۳ در سن ۶۱ سالگی در مسکو جهان را بدرود گفت. چه در زندان و چه در بیرون از زندان، ناظم حکمت آنی از یاد خلق های سراسر جهان و آرمان های خود غافل نبود. در سلول تنگ و تاریک زندان، قلب این فرزند راستین خلق ترک در همه نبردها و انقلاب ها و پیروزی ها و شکست های جهانی خلق ها و زحمتکشان جهان، پر شور و پر عاطفه می تپید. در رم، مادرید، آدیس آبابا، چین، استالینگراد، پاریس، ماری و... .

هنگامی که رادیو آنکارا سرود فتح هیتلر را می خواند، ناظم حکمت در پشت میله های زندان و وطنش می سرود. از چهار روز به این طرف مسکو دیگر در خطر نیست. آنها که با میخ پاشنه هایشان

به صدادرمی آوردند کوجهای پاریس را از دروازه مسکو عقب نشستند.

در شعر دیگری که درباره بیماری قلبش سروده می گوید.

اگر نصف قلبم اینجاست، دکتر نصف دیگرش آنجاست. در چین در هر سینه دم، قلبم در یونان تیرباران می شود نگاه می کنم از پشت میله ها به بیرون.

با وجود همه این دیوارها که بر سینه ام فشار می آورد آهنگ تپش قلبم را در دل دورترین ستاره های شوم.

در " سرودهایی برای تارانتا بابو" شهر رم یعنی قلب فاشیسم ایتالیای را چنین توصیف می کند.

آری، تارانتا بابو ره را چنین پی ریخته اند گلش را بادلوها شیرماده کرگ ومشتی خون برادر آمیخته اند.

و در جای دیگر به ریشه ها و ارکان فاشیسم نیز اشاره می کند. او نشان می دهد که چگونه شزاره های فاشیسم از " عصای اشراف زمیندار" و " گاوسندوق" های بانکداران رم " برمی خیزد و به کله طاس ایل دوچه" (لقب موسولینی) فرومی رود.

شعر ناظم حکمت، به سبب جهانی بودنش عظمت دارد. اما نباید از یاد برد که او پیش از هر چیز، شاعر واقعی طبقه

در شماره قبل وعده دادیم که مقالاتی در رابطه با شعر و برای بررسی اشعار رسیده چاپ خواهیم کرد. ممکن است از هفته قبل تا بحال سئوالاتی برای شما پیش آمده باشد مانند اینکه " چه لزومی دارد اینقدر به شعر بپردازیم؟ چرا در هر شماره فقط شعر چاپ می شود و حالاهم مقاله ای درباره شعر چاپ خواهد شد در حالیکه به دیگر اشکال هنر و ادبیات توجهی نمی شود؟ و اصولا چرا باید اشعار رسیده را " بررسی" کرد؟ چون واضح است که خوانندگان آنها را برای چاپ فرستاده اند نه برای بررسی." حال ببینیم به این پرسش ها

تنها " تشویق" شما باشد. (بخصوص اگر منظورات این " تشویق"، کمک به حفظ یا ادامه یک رابطه سیاسی باشد). تجربه حتی نشان می دهد که در مواردی، آثار ی که شما " پس از تشویق" برای ما فرستاده اید، به خوبی آثار قبلی نبوده است. پس تنها تشویق (و آنهم تنها با چاپ یک اثر) کافی نیست. ما باید بگوئیم " ادبیات کارگری" راه سطح بالاتری ارتقاء دهیم و به آن غنا و اعتدای بیشتری ببخشیم. و این کار را با بررسی شعر شروع خواهیم کرد چرا که شما خود نشان داده اید که به شعر بیشتر علاقه و توجه دارید.

★ ' ادبیات کارگری' باید بر اساس ایدئولوژی و جهان بینی طبقه کارگری (سوسیالیسم علمی) ایجاد شده باشد

چگونه می توان پاسخ داد. اینکه چرا ما به شعر زیاد توجه می کنیم، پاسخی بسیار ساده دارد.

" علت آن، توجه به یاد خوانندگان ما، یعنی خود شما، به شعر است. ما گفتیم که در میان صدها اثری که به دست ما رسیده تقریبا تمام آنها (بجز دوسه مورد) شعر بوده است. پس باید از شما خوانندگان عزیز سئوال کرد که چرا هر موقع به یاد صفحه ادبیات کارگری می افتید و تصمیم می گیرید مسائل و آرزوها و احساسات خود را با ما مطرح کنید، از " شعر" استفاده می کنید و این شکل و شیوه بیانی را بکار می گیرید؟

پس لابد علت و انگیزه ای در میان است که شما بسیاری از حرف های خود را به شکل شعر بیان می کنید. لابد زمینه مساعد و عوامل معینی در فرهنگ ما و در روانشناسی اجتماعی ما وجود دارد که باعث می شود گروه های مختلف خوانندگان ما (کارگران، کارمندان، دانش آموزان و دانشجویان...) به شعر گرایش و رغبت پیدا کنند.

ما فعلا با توجه به علاقه خوانندگان به شعر، به طرح مسائلی درباره شعر می پردازیم و بررسی علل و عوامل این علاقه را به فرصت مقتضی موکول می کنیم. این توجه زیاد شما به شعر دو وظیفه ایجاد می کند:

۱- وظیفه ای برای روزنامه، شما دوستان و فرستندگان شعر را با مسائل مربوط به شعر همساز و هماهنگ کند.

۲- وظیفه ای برای خود شما، تا ضمن همکاری با روزنامه و ارائه نظراتتان تفاوت هایی را که میان کلام شعری و غیر شعری هست با شناسایی و روابط و انضباط های لازم را در سرودن شعر، بهتر و بیشتر در نظر بگیرید.

ما فکر می کنیم که انجام این دو وظیفه راه رسیدن به ادبیات کارگری را برای همه ما هموارتر می کند و به فراهم آمدن شناخت لازم از طریق بررسی مسائل شعری، یاری می کند.

پس روشن است که هدف ما از چاپ آثار شما در این صفحه، نمی تواند (و نباید) بقیه در صفحه ۹

کارگرو بود. در همه اشعار او، ایمان کامل به نقش تاریخی طبقه کارگر در پی ریزی سوسیالیسم موج می زند. او خطاب به کارگران می سراید.

این جهان بر شاخ های گاو استوار نیست.

تنها بر سرانگشتان شما ایستاده است و می افزاید که اگر همه به شاد روغ می گویند، تنها از آن روست که از طفیان دستهای شامی ترسند!

ناظم حکمت تمام امکانات زبان خود، تمام امکانات فرهنگ توده های مردم را با هنر مندی و ویژه ای بکار می گیرد.

در شعر او، همگی مفاهیم سیاسی و اجتماعی در عین صراحت و کوبندگی، به شکلی کاملا هنرمندانه در قالب شعر ریخته شده است و از این رو مطالبه آثار او برای علاقمندان هنر و ادبیات کارگری می تواند بسیار آموزنده باشد. مثلا هنگامی که او می خواهد به جنایت انحصارگرانی که مواد غذایی را به دریا می ریزند تا قیمت آن پایین نیاید اشاره کند، این را به شکل بسیار زیبایی بیان می کند و می گوید.

" اکنون ماهیان دریا قهوه می نوشند در حالیکه کارگران و زحمتکشان را با " حرف" سیر می کنند.

ناظم حکمت، یک کمونیست بزرگ بود. ناظم حکمت، رفیق طبقه کارگر جهان، دوست همه خلقها و سرودخوان خستگی ناپذیر انترناسیونالیسم پیرومند پرولتری بود.



اتحاد کارگران ضامن پیروزی آنهاست

بیهودی، زرتشتی و غیره باید ایمن حق داده شود که اعتقادات و مراسم مذهبی خود را داشته باشند و هیچگاه زیر فشار تفتیش عقاید قرار نگیرند. روحانیت مترقی و مبارز نیز از نظر ما قابل احترام است.

علاش آنست که کمونیستها تلاش می کنند کارگران را آگاه و متشکل کنند و می کوشند مبارزه کارگران را بر علیه دشمنان خلق و استثمارگران رهبری کنند. کمونیستها معتقدند که سرانجام باید تحت رهبری طبقه کارگر جامعه ای پدید آید که دیگر در آن از سرمایه دار و ارباب خبری نباشد، نه طبقه استثمارگری باشد و نه طبقه استثمار شونده ای. آنها معتقدند که باید این بی عدالتی که در یکسوی جامعه تعدادی ثروتمند مفت خور از طریق استثمار زحمتکشان در عیث و نوتربسری برند، در سوی دیگر انبوهی از مردم زحمتکش در چنگال فقر و تهیدستی گرفتارند از بین بروند.

*** حيله سرمايه دار**
روشن است که امپریالیستها سرمایه داران نیز آرام نمی نشینند. آنها همه نیرو و امکانات خود را بر علیه کمونیستها که دشمنان واقعی آنها هستند بسیج می کنند. آنها بخواهی می دانند که اگر کارگران آگاهی طبقاتی بدست آورند رهبری مبارزات توده های مردم را بدست گیرند، ابتدا سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته را نابود خواهند کرد و سپس به استثمار انسان از انسان پایان خواهند بخشید و دیگر کسی نمی تواند با در اختیار داشتن کارخانه و زمین ها (و بطور کلی وسایل تولید) زحمتکشان را استثمار کند.

مبارزه امپریالیستها، سرمایه داران وابسته به امپریالیسم، زمینداران بزرگ و همه استثمارگران بر علیه کمونیستها و شیوه هایی که برای ایجاد نفاق در میان کارگران بکار می برند - بد هیچ وجه تازگی ندارد. در همه جای دنیا و در همه کشورهای سرمایه داری استثمارگران از راههای مختلف تلاش می کنند تا کارگران را نسبت به کمونیستها بدبین کنند. اما کارگران بسیاری از کشورهای بی ماهیت تبلیغات ضد کمونیستی استثمارگران برده اند و کارگران مانیف هروز که می گذرد آگاهتر می شوند و بی می برند که تنها گناه کمونیستها آنست که از منافع کارگران دفاع می کنند و تقسیم کارگران به مذهب و کمونیست در واقع حيله کارفرما است.

*** احترام به مذهب**
از نظر ما اعتقادات مذهبی همه مردم قابل احترام است. ما معتقدیم که احدی حق ندارد به اعتقادات مذهبی مردم حمله کند. مابه آزادی مذهب و اندیشه اعتقاد داریم. ما جدا معتقدیم که به همه مردم اعم از شیعه و سنی مسیحی،

بهبودی، زرتشتی و غیره باید ایمن حق داده شود که اعتقادات و مراسم مذهبی خود را داشته باشند و هیچگاه زیر فشار تفتیش عقاید قرار نگیرند. روحانیت مترقی و مبارز نیز از نظر ما قابل احترام است.

تجربه های همین چند ماه گذشته درسهای آموزنده ای به کارگران داده است در تعدادی از کارخانه ها، کارگران پی برده اند که این تفرقه افکنی دسیسه کارفرماست. ممکن است چند روزی دشمنان کارگران بتوانند از این شیوه ها استفاده کنند و وعده های از کارگران نا آگاه را در برابر عده ای دیگر از کارگران قرار دهند. اما آگاه شدن کارگران ایمن توطئه ها خنثی خواهد شد.

*** درد مشترک**
تجربه های همین چند ماه گذشته درسهای آموزنده ای به کارگران داده است در تعدادی از کارخانه ها، کارگران پی برده اند که این تفرقه افکنی دسیسه کارفرماست. ممکن است چند روزی دشمنان کارگران بتوانند از این شیوه ها استفاده کنند و وعده های از کارگران نا آگاه را در برابر عده ای دیگر از کارگران قرار دهند. اما آگاه شدن کارگران ایمن توطئه ها خنثی خواهد شد.

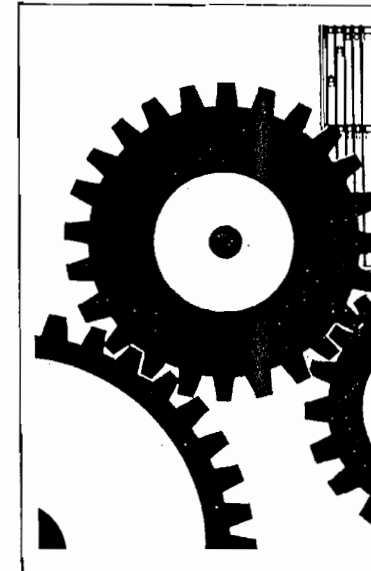
همه کارگران دارای هراس اعتقادی باشند مورد ستم و استثمار قرار می گیرند. در هر کارخانه کارگران توسط سرمایه دار واحدی استثمار می شوند و شمره کار همه آنها را شخص واحدی غصب می کند. امپریالیسم و وابستگی دشمن همه کارگرانند. کارگرانی که در یک کارخانه کاری کنند و همه باید از صبح تا شب جان بکنند و دست آخر هیچ چیز هم نداشته باشند. خواستهای همه آنها یکی است درد های آنها مشترک است، اخراج بیکاری فقر و ستم سهم همه کارگران است. کارگرانی که در معدن در شرایط طاقت فرسا کار می کنند یا کارگران راه و ساختمان که در گرما و سرما کار می کنند همه بیکسان مورد استثمار قرار می گیرند اینها همه نشان می دهد که کارگران دارای منافع مشترک و دردهای مشترکند. بنابراین این هیچ چیزی نمی تواند آنها را از یکدیگر جدا کند و در میان نشان تفرقه بیندازد.

کارگران شرکت فسان خواست خود را از کارفرما گرفتند

پیروزی کارگران بر حيله و ارباب کارفرما

بین کارگران تفرقه افکنی می کنند از ورود آنها به شرکت جلوگیری کردند. کارمندان به کمیته منطقه رفتند و وعده بی سلاح را با خود بکارت آوردند. یکی دوتن از افراد مسلح برخوردی زننده با کارگران داشتند و به توضیحات آنها توجهی نکردند و به حمایت از سرمایه دار پرداختند و در چند مورد کارگران را با اسلحه تهدید کردند. کارگران از این امر عصبانی شدند و به نقش عمده خود در انقلاب اشاره کردند و به شیوه برخورد آنها با توده های کارگران و به بالاخره در نتیجه مقاومت کارگران افراد مسلح محل شرکت را ترک کردند. پس از رفتن این افراد و در پی تماس تلفنی سرمایه دار، عده دیگری از افراد مسلح به همراه یک افسر شهرستانی و به سرپرستی یک روحانی به شرکت آمدند نحوه برخورد آنها با توده های کارگران قبلی داشت. حرفهای روحانی که عملاً از سرمایه دار حمایت می کرد مورد اعتراض کارگران قرار گرفت و محیط مطبوع شد. افسر مذکور مسلسل خود را بطرف یکی از کارگران نشانه گرفت. کارگران از این عمل وی شدت خشمگین شدند و سینه های خود را در مقابل او گرفتند و به طرف وی رفتند. افسر از حرکت کارگران ترسید، اسلحه را به روحانی سپرد و کارگران، او را با بیرون انداختند. روحانی نیز خود شرکت را ترک کرد.

نصیحت کرد و به مسأله ای که ربطی به خواسته های کارگران نداشت، پرداخت و در آخر از کارگران خواست که نماینده خود را انتخاب کنند. کارگران در جواب به او گفتند: "قبلاً نمایندگان خود را انتخاب کرده ایم".



روز بعد سرمایه دار نمایندگان وزارت کار را بی تجربهی کارگران و نمایندگان آنها، استفاده می کنند و قطعنامه های را که کاملاً به نفع سرمایه دار بود به امضای تمامی کارگران می رسانند بر اساس این قطعنامه قرار می شود که حدود ۳۰ نفر از کارگران به سرکار بروند و کار باقی مانده را تمام کنند تا حقوق کارگران پرداخت شود.

سرمایه دار نمایندگان وزارت کار با این حيله موفق می شوند که موقتاً بین کارگران تفرقه بیندازند. اما کارگران خیلی زود به این حيله سرمایه دار و عوامل او پی می برند. در نتیجه روز ششم فروردین ۵۸ مجدداً در جلوی دفتر مرکزی اجتماع می کنند و خواهان رسیدگی واقعی به خواسته های برحق خود می شوند. ابتدا کارفرما می گوید که باید با داد و فریاد و اشاره به قطعنامه مذکور آنها را سرگردانند ولی کارگران زیر بار نمی روند. نگاه اوسمی می کند آنها را با وعده راضی کند و می گوید فعلاً همان ۳۰ نفر به سرکار بروند و بقیه تا اول اردیبهشت تکلیفشان روشن می شود. کارگران می گویند: "یا همگی بسرکار بازمی گردیم یا هیچکدام از اینجا بیرون نمی رویم". سرمایه دار که با سرسختی کارگران روبرو شد گفت: "نه پول برای پرداخت حقوق دارم و نه کار".

*** حمایت از سرمایه دار**
انگاه چندتن از کارمندان که از عوامل سرمایه دار بودند به میان کارگران آمدند و سعی کردند بین آنها تفرقه بیندازند. ولی کارگران به حرفهای آنها توجهی نکردند. بالاخره پس از بحث های فراوان کارگران خواسته های خود را تنظیم کردند. در مقابل سرمایه دار هم به پیشنهاد همکاری نمایندگان وزارت کار قطعنامه ای صادر کرد که چون در آن خواسته های کارگران همچنان نادیده گرفته شده بود، مورد تأیید کارگران قرار نگرفت. صدور قطعنامه ای که ویش مشابه توسط سرمایه دار چندین بار تکرار شد. با توجه به این قطعنامه ماهیت و نقش وزارت کار برای کارگران هر چه بیشتر افشا شد.

بالاخره نمایندگان وزارت کار بدون نتیجه محل شرکت را ترک کردند. کارگران بناچار تصمیم به تحصن گرفتند و از خروج سرمایه داران نیز جلوگیری کردند و شب را تا صبح همانجا بسر بردند. کارگران وقتی دیدند که عده بی از کارمندان به حمایت از سرمایه دار

بقیه از صفحه ۱
*** چگونه مبارزه کارگران**
شروع مبارزه با کارفرما بعد از قیام بود. شور انقلابی همه کارگران را در بر گرفته بود. بیرونیهای بدست آمده توسط مردم سطح خواسته های صنفی کارگران را به مراتب بالاتر برد و به همین همان نسبت میزان مبارزه جوشی هم افزایش یافته بود. کارگران ابتدا برای گرفتن حقوق عقب مانده خود به وزارت کار مراجعه کردند. در پی مراجعه های مکرر به آن وزارت فهمیدند که قصد حل مشکل آنها ندارد. به این جهت با

دانشجویان تماس گرفتند و در روزیست و دوم اسفند ماه در جلوی کارگاه اجتماع نمودند و خواسته های عمده خود یعنی "پرداخت حقوق عقب مانده"، "بازگشایی کارگاه" و "بازگشت کارگران" را مطرح کردند. کارگران در طی مذاکرات دسته جمعی خود به حيله های سرمایه دار یعنی "نبودن کار" و "ضرر شرکت" پی بردند. آنها می گفتند "اگر شرکت ضرر می کند کارگاه را بدست کارگران بدهد تا کارگران ضرر کنند". صحبت ها در سالن غذاخوری که محل اجتماع آنها شده بود ادامه یافت. کارگری در زمینه اتحاد می گفت:

"قبلاً اگر اعتراضی داشتیم، به تنهایی انجام می دادیم و سرمایه دارها هم مارا که پراکنده بودیم، یکی یکی خفه می کردند و بدین خاطر بود که ما به حقوق واقعی خودمان نمی رسیدیم، چونکه با هم نبودیم. اگر ما با هم متحد بشویم، نیروی ما زیاد خواهد بود و دشمن نمی تواند مارا نابود کند پس ما باید تا می توانیم اتحاد داشته باشیم، سندیکا تشکیل بدهیم و نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنیم و عوامل سرمایه دار و نمایندگان فرمایشی را از بین خود طرد کنیم".

*** ادامه مبارزه**
روز بعد حدود هشتاد نفر از کارگران اخراجی جلوی دفتر مرکزی جمع شدند و ۴ نفر از این خود بعنوان نماینده انتخاب کردند و به اتفاق آنها برای مذاکره با سرمایه دار به دفتر وی رفتند. سرمایه دار ابتدا با قلدری در مقابل خواسته های کارگران ایستادگی کرد ولی با برخورد مصمم و قاطعانه کارگران روبرو شد. یکی از کارگران خطاب به سرمایه دار گفت:

"من ۲۵ سال کار کرده ام، چرا باید حق من پایمال شود؟ شما سرمایه دارها خون مارا مکیده اید، مارا مثل دانه انگور فشرده اید، آب مارا گرفته اید و اکنون تفاله ها را بیرون انداخته اید. در مقابل چنین برخوردهای قاطعانه کارگران، سرمایه دار کم کوتاه آمد و حاضر شد امتیازاتی بدهد و در نتیجه به وزارت کار تلفن زد. پس از مدتی نمایندگان وزارت کار به اتفاق یک روحانی به دفتر آمدند. روحانی آغاز

در نهایت پس از اینکه کلیه حيله های سرمایه دار به نتیجه رسید و او دریافت که کارگران ناراضدند و به خواسته های برحق خود دست از مبارزه بر نمی دارند و به تحسن اوضاع می دهند محبوس به عقب نشینی شد و قطعنامه کارگران را پذیرفت.

علاوه بر موفقیت کارگران چه بود؟ از یکطرف شناخت صحیحی از سرمایه دار و حامیان او داشتند و شیوه

*** کارگران: اگر شرکت ضرر میکند کارگاه را بدست کارگران بدهید تا کارگران ضرر کنند!**

درست مبارزه کردند. از جمله کوشش کردند با مبارزه دگر افشار و بخصوص دانشجویان پیوند پیدا کنند و آگاهی و تجربه آنها استفاده کنند. از طرف دیگر سرمایه دار درک درستی از شرایط جدید نداشت و به همان روشهای گذشته یعنی تهدید و ارباب و گردن کلفتی متوسل شد اما خیلی زود با درک شرایط به عقب نشینی موقت و آگاهانه تن داد و مودبانانه مسئله تمام کردن کار توسط ۳۰ کارگر را بعنوان شرط پرداخت حقوق مطرح کرد. اگر چه حيله جدید سرمایه دار موقتاً نشانه های از پیروزی داشت اما افشای کارگران آگاه موجب شد که آنها با متانت انقلابی خاص خودشان جواب بدهند: نه، یا همگی با هم سرکار می رویم یا هیچکس.

و این اوج همبستگی و اتحاد کارگران بود. حقیقت آنست که سرمایه دار از تمام امکاناتی که در اختیارش هست استفاده می کند. یکبار با تکیه بر مذهب (دعوت از روحانی) بار دیگر با تهدید و ارباب (افراد مسلح) و بالاخره با توسل به حامی خود وزارت کار که تمام قوانین ارتجاعی رژیم سابق را بدون کم و زیاد بیک می کشد این مسئله تازه ای نیست. سرمایه داران برای حفظ منافع نامشروع خود همواره از کلیه امکانات استفاده می کنند. برای توجیه استثمار کارگران، از وزارت کار و قوانین ضد کارگری آن بهره می برند و برای پیشبرد اهداف خویش از کلیه ابزار سرکوب کمک می گیرند.

در مقابل: "چاره کارگران وحدت و تشکیلات است"



روستائیان میگویند:

نمیگذاریم حقان پایمال شود

شورای دهقانی روستای نود عطا یان طی اعلامیه ای که در ۱۷ اردیبهشت انتشار دادند خطاب به ملت مبارز ایران اعلام داشتند: " زمانی که مردم مبارز ایران به مقابله با رژیم منقر پهلوی پرداختند به همراه تمامی توده های ستمدیده به این قیام شکوهمند پیوستند لیکن بودند کسانی که به ندای حق طلبانه خلق به پا خاسته پاسخ ندادند و حتی زمانیکه می رفت نظام پوسیده شاه خائن به زباله دانی تاریخ سپرده شود هنوز به استبداد خدمت می کردند و اکنون نیز با کمال تعجب در کمیته ها رخنه کرده و خود را مبارز سرخست و آزیپشگامان انقلاب می دانند "

روستائیان پس از شرح مبارزات و تاریخچه روستای خود اضافه می کنند: " ... ما همگام با پیشانان انقلاب عدم رضایت خود را به رژیم سابق اعلام کردیم ، زمینی را که سالهای گذشته کشت می کردیم و محصول آن را به سرمایه دار تحویل می دادیم حالا تصرف کرده و سهمی به سرمایه دار نخواهیم داد . در گرما گرم انقلاب از همه طرف به اینکار تشویق می شدیم ولی اکنون بعد از انقلاب و با اصطلاح پیروزی ، کاربرد عکس شد ، هر روز مثل دوره طاغوت سر و کله ما مورین کمیته و پاسداران انقلاب در ده پیدای شود که می گویند زمین مال سرمایه دار است و شرکت های کاذب دوره پهلوی معتبرند . آنها با اینکه به حقانیت ما واقفند با ز

تشکیل اتحادیه فئودالها
برای سرکوب بیشتر دهقانان

اخیرا از طرف دفتر هواداران سازمان در سنج اعلامیه ای منتشر شده که خبر از توطئه ای جدید می دهد و آن تشکیل اتحادیه فئودالها و اربابان غارتگر در کردستان و ارومیه است . مادرزیر بخشی از این اعلامیه را منشر می کنیم .
در ماهها و هفته های اخیر بر تعین منطقه از جمله فئودالهای بزرگ و روسای عشایر ، برای حفظ موقعیت و منافع خود دست به تلاشهای زیادی زده اند . مثلا در اواسط فروردین ماه امسال فئودالهای مرتجع منطقه " سارال دیواندره " در روستای " گومه ای " جلساتی ترتیب دادند و تصمیم گرفتند که در همه مواقع پشتیبان یکدیگر باشند و از منافع غارتگرانه همدیگر دفاع کنند . آنها برای رسیدن به این هدف خود تصمیم گرفتند با تشکیل به اصطلاح " اتحادیه ایلات و عشایر کشاورزی کردستان " تئوای غارتگرانه و ضد مردمی خود را مخفی نگه دارند . به این ترتیب برای افتتاح دفتر اتحادیه ارتجاعی خود در سقز اعلامیه هایی در روزهای دوم و سوم اردیبهشت ماه پخش کردند . این مردم آگاه و مبارز سقز که هدفهای سوء و ضد مردمی فئودالها را می دانستند با آه و ناله انداختن تظاهرات بر علیه گشایش دفتر اتحادیه ضد کشاورزان فئودالهای مرتجع ، اعتراض خود را بیان کردند و مانع از این کار شدند . فئودالها و روسای عشایر که بر اثر مبارزه مردم سقز نتوانستند دفتر اتحادیه خود را در آنجا برکنند به سنج آمدند و در تاریخ ۲۸/۲/۵۸ با آقای مفتی زاده جلسه ای ترتیب دادند که چگونگی آن هنوز روشن نیست . اخیرا بنیان گذاران اتحادیه به اصطلاح " ایلات و عشایر کشاورزان کردستان " در اعلامیه ای که صادر کرده اند خود را طرفداران زحمتکش و خوش نشینان نشان داده اند .
افرادی مانند عبدالله خان مرادی ، یداله خان مرادی ، یحیی خان امینی عباس خان مظفری ، مجیدخان کلبهر حس آقا جانمردی ، شیخ محمد سعید و دیگر فئودالهای مرتجع که اتحادیه مذکور را به وجود آورده اند ، به هیچ وجه نمی توانند طرفدار زحمتکشان باشند .
چه بسیار زمینهای روستائیان که توسط این فئودالها غصب شده است . چه

بسیار خانواده هایی که توسط این فئودالها از خانه و زادگاه خود آواره گردیده اند . چه بسیار جنایات و تجاوزاتی که توسط این فئودالهای ظالم در حق زحمتکشان روستا انجام گرفته است . اغلب این فئودالهای جنایتکار تادیب و طرد شدگان شاه خائن و ساواک و حزب رستاخیز بوده اند . پرونده بعضی از آنها در زمینه جعل اسکناس ، سابقه قتل ، توطئه برای ربودن معلمان ، جاسوسی برای ساواک و بیرون راندن روستائیان از دهات هم اکنون موجود است . در این شرایط تشکیل شوراهای دهقانی برای کشاورزان و خوش نشینان روستاها و زحمتکشان ایلات و عشایر در مقابل دسیسه های فئودالها امری بسیار ضروری است .
و در این راه لازمست روستائیان و ایلات و عشایر دست به دست هم دهند با پشتیبانی از هم و با انتخاب نمایندگان راستین و وفادار بخود ، اتحادیه ها و شوراهای حقیقی خود را تشکیل دهند و بدینوسیله از منافع و حقوق خود دفاع کنند .
طبق اطلاعات محدودی که ما بدست آورده ایم به ذکر پیاره ای از تجاوزات و جنایات اربابان و زمینداران بزرگ وابسته به امپریالیزم در این منطقه می پردازیم . عده ای که در ایالات بر دیم فقط تعداد بسیار معدودی از متجاوزین را تشکیل می دهند که در اطراف ارومیه و کردستان به غصب و غارت اموال و افراد مشغولند . می دانیم که بخاطر موقعیت خاص مسئله تاریخی کردستان در این مناطق حتی همان اصلاحات ارضی فرمایشی هم انجام نشده بود تا مالکین زمینداران بزرگ بتوانند با قدرت تمام پشتوانه ای محکمی برای پیاده کردن نقشه های توطئه آمیز امپریالیستهای این منطقه حساس باشند اکنون نیز ما شاهد اجرای نقشه های جدیدی از طرف وابستگان امپریالیزم امریکا هستیم . از فئودالها در منطقه گرفته تا مزدورانی نظیر قباده وقت ، بارزانی ، پالیزبان ، اویسی و ... که در زیر ماه ذکر چند نمونه از این تجاوزات مالکین اشاره می کنیم :
۱- ده استرآباد ، ارباب ده حناره و غارت ده نیز بدستور حاجی سامی

تشکیل شورای دهقانی مشترک

اهالی روستاهای (امچلی) و (سلاخ) گنبد روزهای ۲۸ و ۳۰ اردیبهشت اجتماعاتی برای انتخاب و تعیین اعضای شورای ده ترتیب دادند .
بعد از سخنرانی هایی که توسط اعضای کانون فرهنگی ، سیاسی خلق ترکمن صورت گرفت اهالی به انتخاب اعضای شورای دهقانی روستاهای خود پرداختند و پنج نفر را بعنوان عضو اصلی و دو نفر را به عنوان عضو علی البدل انتخاب کردند .
شورا بلافاصله تشکیل جلسه داد و پس از انتخاب سرپرست شورا به بحث روی خواسته ها و نیازهای این دو روستا پرداخت .
چند مورد از خواسته های مشترک اهالی این دو روستا از این قرار است :
۱- اسفالت ، مرمت و هفتور کردن جاده .
۲- تامین بهداشتی کردن آب آشامیدنی .
۳- ایجاد ساختمان دبستان و دبیرستان با توجه به آماده بودن زمین مورد احتیاج .
۴- بزرگ کردن مراتع به روستائیان که توسط غاصبین غصب شده بود .
۵- ایجاد کتابخانه عمومی برای بالا بردن سطح آگاهی مردم .

خواسته های شورای دهقانی رودبار

شورای دهقانی رودبار دست ، روستائیان کنسی و ترک کلا طی اجتماعاتی پس از شرح مختصری از مبارزات مردم و پشتوانه پیروزی آنان که همانا اتحاد و پیوند توده های ستمکش بوده است در قطعه نامه ای خواسته های برحق و قانونی خود را اعلام داشتند .
مهمترین خواسته هایشان از این قرار است :
۱- تامین کود شیمیائی مورد نیاز بطور رایگان در اسرع وقت .
۲- تامین سموم کرم ساقه خوار و علف هرز بطور رایگان در اسرع وقت .
۳- وام بدون بهره از طریق دولت .
۴- لغو کلیه بدهی های بانکهای کشاورزی و تعاونی .
۵- حمایت بدون قید و شرط از دهقانان در مقابل آفات کشاورزی و برنج امریکائی .
۶- ایجاد امکانات رفاهی ، حمام بهداشتی ، آب لوله کشی ، مدرسه راهنمایی ، جاده برق شرکت تعاونی به مفهوم واقعی ، امکانات پزشکی و بهداشتی و تامین بیمه درمانی رایگان .

« معرفی يك كارگر مبارز »

در سال ۱۳۲۲ (در شرایطی که یک کارگر ساده با حقوق روزی ۱۲ ریال در د دخانیات استخدام می شد) در شرکت دخانیات ایران نخستین اتحادیه کارگری تشکیل شد اما نتوانست مدت زیادی دوام آورد و منحل شد .
پس از چندی اتحادیه کارگری دخانیات وابسته به شورای متحده کارگران به وسیله سه تن از فعالین دخانیات پایه گذاری شد و فعالیت خود را آغاز کرد . این اتحادیه توانست تا حدودی مبارزات صنفی - اقتصادی



تقی باقری که بود و در رهبری مبارزات سندیکایی چه نقشی داشت ؟

تقی باقری در سال ۱۳۲۱ متولد شد او در ایام کودکی پدر و مادر خود را از دست داد و از همان دوران با فقر و رنج آشنا شد . در جوانی در بازار تهران کارگر سیگار پیچ بود در سال ۱۳۱۶ بعنوان کارگر در شرکت دخانیات استخدام شد . وی در این سالها با اعمال انسانی خود از قبیل کمک به کارگران و زحمتکشان و خانواده های زندانیان سیاسی بعنوان چهره ای خفگی و مردمی بین کارگران شناخته شد . ابتدای فعالیت اجتماعی در حزب در حزب حلقه سید ضیاء الدین (حزب اراده ملت) بود (اوباحزب توده میانه خوبی نداشت) بعدها کم کم به مبارزات کارگری کشیده شد و در اتحادیه شرکت دخانیات که اکثر اعضای فعال آن از اعضای شورای متحده بودند فعالانه شرکت کرد . در این اتحادیه همه افراد ، چه آنان که وابسته به سازمانهای دولتی بودند و چه افراد باقیمانده شورای متحده و چه جناحهای دیگر شرکت داشتند . تقی باقری از سال ۱۳۲۷ الی ۱۳۳۲ به علت فعالیت در این اتحادیه دوباره زندان افتاد (یکبار زندان قصر و بار دیگر زندان جزیره خارک) او عقیده داشت که رژیم سلطنتی باید سرنگون شود . در سال ۱۳۳۰ که او با مبارزه پیگیرانه کارگران بعنوان نماینده شورای کارگران انتخاب شده بود کارگران دخانیات باز دیگر دست به اعتصاب زدند و تقاضای ۱۵ ریال اضافه دستمزد داشتند . وثوق مدیر کل دخانیات در مقابل این خواست به حق کارگران مقاومت می کرد . می خواست تنها ۱۰ ریال اضافه دستمزد به کارگران بدهد . در این هنگام با تحریک پلیس و عملش بر سر اینک به ۱۰ ریال اضافه دستمزد موافقت بشود پانه ، میان کارگران اختلاف افتاد و بالاخره کارگران ۱۰ ریال اضافه دستمزد را قبول نکردند و کار به بقیه در صفحه ۱۱

کارگران را رشد دهد . در زمانی که کارگری بنام تقی اقبالی نماینده اتحادیه شده بود سرانجام کارگران پس از مبارزات زیادی که با کارفرما داشتند بیاری شکل و اتحاد خود توانستند حقوقشان را در دو مرحله افزایش دهند . بطوریکه حقوق کارگری که ۱۷ ریال بود به ۵۵ ریال در روز رسید . این پیروزی به اعتبار شورای متحده افزود . پس از پیروزی قوام السلطنه بر نیروهای فرقه دمکرات آذربایجان و قتل عام مردم زحمتکش آن دیار اکثر نمایندگان کارگران و فعالین سندیکا نیز دستگیر شدند . اتحادیه منحل شد و بعضی از کارگران راه قصد کشت و زدن زندانی و تبعید کردند . پس از انحلال اتحادیه وابسته به شورای متحده سندیکایی بارهبری مهندس شریف امامی (نخست وزیر خائن قبل از انقلاب) با کمک عباس میرزایی (وکیل چندین دوره مجلس شورا) و عده ای دیگر در شرکت دخانیات تشکیل شد و اتحادیه قبلی تنها به شکل مخفی به حیات خود ادامه می داد . او پس از کودتای ۲۸ مرداد

کلیه بدهی ها و تعهدات مالی کارگران ، دهقانان و زحمتکشان به بانکها و مؤسسات دولتی باید لغو شود

درباره حزب طبقه کارگر

(۷)

در شماره های گذشته درباره شکل های توده ای کارگران صحبت کردیم و گفتیم که مشکل کردن کارگران تنها با ایجاد حزب طبقه کارگر ممکن نیست و در حزب و در پیوند با آن سازمانهایی که در برگرفته توده های وسیع کارگران باشد، باید ایجاد شود.

در این شماره می خواهیم درباره سازمانها و شکل هایی که توده های وسیع غیر کارگر را متشکل می کنند صحبت کنیم. طبقه کارگر پیشروترین و انقلابی ترین طبقه است. ولی تنها نیروی انقلابی در جامعه نیست. میلیونها توده زحمتکش که همه تحت تسلط امپریالیسم و بورژوازی وابسته قرار

ساخت طبقاتی شان دارای منافع طبقاتی یکسانی نیستند. طبقه کارگر را یک دیوار چین از سایر طبقات جدا نکرده است. بسیاری از کارگران ازده به شهر آمده اند و حتی برخی از آنها، خانواده هایشان هنوز درده زندگی می کنند و بسیاری از کسان و خویشان آنها درده هستند. این

کارگران همبستگی بسیار زیادی با روستائیان دارند و با بسیاری از کارگران با زحمتکش شهری و اصناف و غیره پیوندهای نزدیکی دارند. توسط همین کارگرانی که پیشرو آگاه باشند نه تنها

● طبقه کارگر پیشروترین و انقلابی ترین طبقه است ولی تنها نیروی انقلابی در جامعه نیست

دارند، به همراه طبقه کارگر در انقلاب دمکراتیک شرکت خواهند کرد. این نیروی عظیم، متحد طبقه کارگر در انقلاب است. حزب طبقه کارگر اگر نتواند این نیروی عظیم را متحد و متشکل سازد و رهبری کند، انقلاب به پیروزی نخواهد رسید. طبقه کارگر به تنهایی نمی تواند انقلاب کند، نیروی او به تنهایی کافی نیست و مجبور است برای پیروزی انقلاب با سایر اقشار تحت تسلط متحد شود. این نیرو مارکسیست - لنینیست ها گرچه اساسا نیروی خود را در جهت متشکل کردن و آگاهانه نمودن مبارزات طبقاتی کارگران قرار می دهند ولی در مبارزات سایر زحمتکشان نیز شرکت می کنند و برای متشکل کردن مبارزات آنان می کوشند. لنین درباره فعالیت در میان سایر اقشار و طبقات زحمتکش می نویسد:

"آپا برای فعالیت در میان تمام طبقات مردم، زمینه وجود دارد؟" و جواب می دهد:

"کسیکه این را می بیند، در اینجا بازم سطح آگاهی از جنبش خود بخودی توده ها عقب است."

و ادامه می دهد:

● رها کردن توده های وسیع و متشکل نکردن مبارزاتشان بمعنی رها کردن آنها در زیر بال بورژوازی است

چنان سازمانهای توده ای ایجاد شود که بتواند وسیع ترین توده های زحمتکش را در خود متشکل کند و پراکندگی در صفوف آنان را به مبارزه متشکل آنان بر علیه تسلط و فشارهای امپریالیسم و سرمایه های وابسته تبدیل کند. این قبیل سازمانها، غوراهای دهقانی، اتحادیه های دهقانی، تعاونیه های مختلف، شوراهای اتحادیه های صنف های مختلف، اتحادیه و شوراهای علمین، کانون های مختلف، اتحادیه ها و شوراهای اقشار مختلف زحمتکشان و نظائر آنهاست که بسته به موقعیت مشخص شرایط معین باید ایجاد شود. این سازمانها که در برگرفته توده های وسیع

است بر اساس خواست های صنفی - سیاسی هر قشری تشکیل می شود و وسیع ترین توده های قشر را در خود متشکل می کند و زمینه ارتقاء آگاهی سیاسی اعضا خود را هر چه بیشتر به وجود می آورد.

شرکت مارکسیست - لنینیست ها

● مستقل بودن تشکیلات سیاسی طبقه کارگر جنبش توده ای را تقویت میکند و به پیش میراند

در این قبیل شکل ها سازماندهی آنها و بالا بردن سطح خواسته های صنفی - سیاسی آنان امری است ضروری و این عمل زمینه را برای جلب اعتماد اقشار زحمتکش ایجاد می کند و راه پذیرش رهبری طبقه کارگر و حزب پیشاهنگش را برای توده های وسیع زحمتکش هموار خواهد کرد. در جریان عمل و رهبری عملی مبارزات توده های زحمتکش توسط حزب طبقه کارگر است که رهبری طبقه کارگر بر جنبش عمومی ستمشکان تأمین خواهد شد. البته این امر بمعنی مخدوش کردن خط و مرزهای طبقاتی و درهم آمیختن تشکل مستقل کارگران و سازمان سیاسی مستقل وی با سایر اقشار زحمتکش نیست و همواره مارکسیست - لنینیست ها بر تشکیلات مستقل طبقه کارگر و حزب (یا سازمان) مستقل سیاسی آن تأکید دارند و همیشه این گفته لنین را سر لوحه فعالیت های خود قرار می دهند که کمونیستها باید تشکیلات مستقل خود را داشته باشند و همین مستقل بودن تشکل آنان جنبش توده ای را تقویت می کند و به پیش می راند. بنابراین مارکسیست -

● تنها حرف زدن درباره پیشرو بودن طبقه کارگر کافی نیست اینرا در عمل نیز باید به سایر زحمتکشان نشان داد

لنینیست ها ضمن اینکه در شکل های زحمتکشان کوشش کرد، رها کردن توده های وسیع و بی سازمان گذاردن آنان و متشکل نکردن مبارزاتشان بمعنی رها کردن آنان در زیر بال بورژوازی است. بایستی آن

در جهت متشکل کردن مبارزات سایر زحمتکشان کوشش کرد، رها کردن توده های وسیع و بی سازمان گذاردن آنان و متشکل نکردن مبارزاتشان بمعنی رها کردن آنان در زیر بال بورژوازی است. بایستی آن

در جهت متشکل کردن مبارزات سایر زحمتکشان کوشش کرد، رها کردن توده های وسیع و بی سازمان گذاردن آنان و متشکل نکردن مبارزاتشان بمعنی رها کردن آنان در زیر بال بورژوازی است. بایستی آن

اقتصاد سیاسی

«تبدیل پول به سرمایه»

(۲)

داشته و کاری کرده باشد به مقدار پول خود می افزاید. پولی که در حرکت خود این گردش را توصیف می کند، تبدیل پول به سرمایه می شود (ک. مارکس، سرمایه ص ۱۶۲) در این فرمول (پول - کالا - پول بیشتر) که فرمول عمومی سرمایه نامیده می شود پول مثبت یا پول بیشتر عبارتست از مبلغ پول بدلی که در پایان معامله افزایش یافته است. یعنی همان چیزی که سرمایه دار از بگردش در آوردن پولش می خواهد بدست بیاورد. مثال: ۲۰۰ کیلو روغن را به قیمت ۷۰۰ تومان خرید و به آنرا به ۷۰۰ تومان می فروشم. در این صورت مبادله چنین خواهد شد:

پول ۷۰۰ تومان
کالا ۲۰۰ کیلو روغن

که در حقیقت مساوی می شود با ۶۰۰ تومان پول اولیه و ۱۰۰ تومان پول بیشتر.

افزایش پول در پایان مبادله (پول - کالا - پول) حد و مرز ندارد. هر چقدر این مبلغ بیشتر باشد همانقدر برای صاحب رضایت بخش تر خواهد بود. در صورتیکه در مبادله (کالا - پول - کالا) ارزش مصرفی کالا و ارزش انسانی از نظر کیفی و کمی محدود است. حال ببینیم مبلغ اضافه شده در پایان معامله از کجا می آید؟

ارزش مبادله کالا است که مورد معامله قرار می گیرد. عبارت دیگر هر کالایی که مورد مبادله قرار می گیرد دارای مقدار "کار متوسط اجتماعی لازم" است که در هنگام مبادله با کالای که همان مقدار کار متوسط اجتماعی لازم را داراست معامله می شود. پس اگر کالا ها با ارزش مبادله ای برابر مبادله می شوند این پول بیشتر یعنی پولی که در پایان معامله افزایش یافته که همان ارزش است، از کجا بدست می آید؟

فرض کنید قیمت یک جفت کفش که تهیه آن چهار ساعت کاری برسد ۱۰۰۰ ریال است و قیمت ده متر پارچه که همان چهار ساعت کاری همان مقدار کار اجتماعی لازم را احتیاج دارد، ۱۰۰۰ ریال. حال در مبادله کالای یک جفت کفش را با ۱۰۰۰ ریال تعویض می کردیم سپس ۱۰۰۰ ریال را می دادیم و ده متر پارچه می خریدیم. هر چقدر این معامله را تکرار کنیم چیز بیشتری نصیبمان نمی شود. یعنی ده متر پارچه را هم که دوباره بدست همان یک جفت کفش را می گیریم.

بنابراین چطور می شود که در انتهای مبادله (پول - کالا - پول) پول بیشتری بدست می آید؟

اگر مثلا کار متوسط اجتماعی لازم را در دو جفت کفش برابر کار متوسط اجتماعی لازم در یک سندلی باشد، دو طرف معامله هنگام مبادله، ارزش کمتر یا بیشتری بدست نخواهند آورد. وقتی ارزشهای برابر و بقول مارکس "مبادله عادل" انجام پذیرفت امکان خرید کالا بمنظور فروش گرانتر هرگز ممکن نخواهد بود. اما همه کس می داند که سرمایه دار همیشه در معاملاتی که انجام می دهد، در پایان گردش (پول - کالا - پول) مبلغی بیشتر از آنچه اول وارد معامله کرده کسب می کند.

سرمایه داران و همچنین مدافعین سرمایه داری ادعا می کنند که در حقیقت این خود سرمایه است که ارزش بیشتری تولید می کند و سرمایه داران حق دارند مثلا ده درصد گرانتر از آنچه که خریده اند بفروشند. سرمایه داران این ده درصد را بقول خودشان "منفعت" یا "سود" می نامند و حق قانونی خود می دانند. در صورتیکه این همان "ارزش اضافه" است. یعنی همان شرمه کار کارگران که آنها را می دزدند.

ممکن است گفته شود که عده ای از صاحبان کالا و نه تمام آنان خواهند توانست کالاهای خود را گرانتر از ارزش واقعی آنها بفروشند. اما این چنین کاری بقیه در صفحه ۱۱

قبل از پرداختن به مسئله ارزش اضافی لازم است رابطه پول و کالا را مورد بررسی بیشتری قرار دهیم. همانطور که قبلا گفتیم مبادله کالاها ابتدا بصورت مستقیم صورت می گرفت. یعنی (کالا - کالا) مثلا دو جفت کفش بایک کیسه گندم مبادله می شد. بعد از پیدایش پول این مبادله بصورت (کالا - پول - کالا) تکامل یافت. و همچنین دیدیم که اگر رابطه (کالا - پول - کالا) بعد از (کالا - پول) قطع شود در این صورت فروشنده کالا بعد از فروش کالایش پول در دست دارد که با آن می تواند کالای مورد نیازش را خریداری نماید. اما پولی که در دست دارد می تواند برابر ارزش پولش کالا یا کالاهایی خرید کند. عبارت دیگر پول به مثابه وسیله گردش است. بنابراین با ذخیره کردن پول یعنی انداختن ارزش هرگز نمی توان ارزش بیشتری تولید کرد.

از طرف دیگر گفتیم که ذخیره کردن پول با عبارت دیگر تصاحب ارزش در خارج از حرکت خرید و فروش انجام می گیرد. پس در خارج از حرکت مبادله امکان اینکه از پول، پول بیشتری بدست آید وجود ندارد و باید آن را در درون خود جریان مبادله جستجو کرد.

هنگامیکه فروشنده کالا را با پول مبادله می کند بدین معناست که کالای تولید شده برای او ارزش مصرفی ندارد و مبادله با پول بدین منظور صورت می گیرد که با آن (پول) کالایی که ارزش مصرفی معینی دارد، خریداری نماید. مثلا نجاری یک سندلی را می فروشد و ۱۰۰۰ ریال دریافت می کند تا با آن ۲ کیلو برنج و یک کیلو روغن، یک کیلو نخود و لوبیای و یک گارد آتشخانه خریداری کند. بدین ترتیب می بینیم که در ابتدا و انتهای رابطه (کالا - پول - کالا) ارزشهای مصرفی قرار دارند.

حالا اگر کسی با پولی که ذخیره کرده است کالایی خریداری نماید که بعد از آنرا به فروش رساند (پول - کالا) و سپس (کالا - پول) رابطه زیر بدست می آید: پول - کالا - پول. بطوریکه ملاحظه می کنیم در رابطه اخیر ابتدا و انتهای پول قرار دارد که نه کالایی است با ارزش مصرفی و نه ارزشی در پایان مبادله به آن افزوده شده است. مثال:

شخصی ۱۰۰ کیلو گندم می خرد و به قیمت ۱۲۰ تومان و بعد همان گندم را به قیمت ۱۲۰ تومان می فروشد (پول - کالا - پول) ملاحظه می کنیم که در ابتدا و انتهای مبادله پول قرار داشته است و همچنین مقدار گندمی که مبادله شده ثابت مانده است.

۱- در مقایسه گردش (کالا - پول - کالا) و (پول - کالا - پول) نتیجه می شود که این دو رابطه دو نقطه مشترک دارند:

۱- هر دو از خرید و فروش تشکیل می شوند. ۲- در مبادله کالا - پول و همچنین پول - کالا ارزشهای برابر مبادله می گردند. اما در این رابطه دو تفاوت هم وجود دارد:

۱- در گردش (کالا - پول - کالا) در ابتدا و انتهای آن ارزشهای مصرفی قرار دارند و به همین دلیل هدف مبادله کالاهای مصرفی مورد نیاز انسان است. ۲- در گردش (پول - کالا - پول) در ابتدا و انتهای آن پول وجود دارد و هدف از معامله نه تنها ارزشهای مصرفی نبوده بلکه برعکس خود ارزش مبادله است. از مطالب بالا این نتیجه حاصل می شود که در رابطه (پول - کالا - پول) هدف بدست آوردن ارزش مبادله است. بنابراین شخصی که در ابتدا مبلغ معینی پول دارد و وارد معامله می شود اگر در پایان معامله نیز همان مقدار پول را بدست آورد، کاری بی معنی کرده است. پس هدف گردش پول - کالا - پول، کسب پول بیشتری در پایان این گردش است. عبارت دیگر هدف (پول - کالا - پول) نبوده بلکه (پول - کالا - پول بیشتر) خواهد بود. ساده تر بگویم سرمایه دار از این راه بدون اینکه در تولید شرکت

بدون مجلس مؤسسان حقوق مردم ایران پایمال میشود

مجلس موسسان به چه سرنوشتی دچار شده است؟ مجلسی که هر فرد ایرانی می خواهد نتیجه جنبش خونین خلق را در قانونی که در آن به تصویب می رسد، منعکس ببیند، بنابراین تشکیل مجلس موسسان یک حادثه بزرگ در زندگی مردم ماست و با وجود اهمیت چنین مجلسی در سرنوشت مردم ما، هیچکس نمی داند که چه بر سر مجلس موسسان خواهد آمد و مقامات مسئول در قبال آن چه می گویند؟

• قول قطعی

از مدت ها قبل از پیروزی قیام شکوهمند مردم، همیشه وقتی صحبت از تدوین قانون اساسی جدیدی شد هیچ کس شک نداشت که تهیه و تنظیم آن فقط در صلاحیت یک مجلس موسسان است. مجلسی که نمایندگان منتخب مردم را از هر شهر و هر ناحیه از میان اقشار و طبقات مختلف گرد آورده و در محیطی دمکراتیک این سند مهم را مورد بررسی کامل و موشکافانه قرار دهد و قانون اساسی مترقی و انقلابی ای که با محتوی و مضمون انقلاب ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری مردم ایران هماهنگی داشته باشد تنظیم و تصویب کند.

پس از قیام هم بارها و بارها توسط مقامات مختلف این امر تصریح شد. در تاریخ ۱۶ اردیبهشت امیران نظام سخنگوی دولت در مصاحبه مطبوعاتی چنین گفت:

"باید یاد آور شویم که آنچه تهیه شده و منتشر خواهد شد تنها پیش نویس قانون اساسی ماست و هنگامی اعتبار پیدای کند که از سوی نمایندگان مردم در مجلس موسسان بررسی و تکمیل و تصویب شود. مردم باید سعی کنند نمایندگان واقعی خود را به مجلس موسسان بفرستند تا خواسته هایشان در این قانون اساسی مورد نظر قرار گیرد." (پیغام امروز ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۸)

مهندس سبحانی معاون نخست وزیر در طرحهای انقلاب نیز در مصاحبه مطبوعاتی که در تلویزیون در برابر ۲۵ میلیون نفر بعمل آورد صراحتاً اظهار داشت که پیش نویس قانون اساسی پس از آنکه از طرف دولت تنظیم شد ابتداء در مطبوعات منتشر می شود که مردم و اهمل فن نظر خودشان را بدهند. پس از آن دولت مجدداً با توجه به نظرات مردم تغییراتی در آن خواهد داد و سپس این طرح در مجلس موسسانی که منتخب مردم خواهد بود مورد بررسی قرار خواهد گرفت و سپس به تصویب نمایندگان مجلس موسسان خواهد رسید. مهندس سبحانی در مورد مجلس موسسان بطور روشن اظهار داشت:

قانون مجلس موسسان مستعمل بر ۶ ماده توسط دولت تنظیم شده و به

شورای انقلاب داده شده که پس از تصویب، انتخابات بر طبق آن انجام شود.

با این بیان روشن سخنگویان دولت دیگر هیچکس شکی نداشت که قانون اساسی در مجلس موسسان که ایجاد کننده قانون مادر است مورد بررسی قرار گرفته و به تصویب خواهد رسید، چه بسا که طرح پیشنهادی دولت تماماراد شود و طرح بهتری به تصویب نمایندگان مردم برسد. زیرا این نمایندگان مجلس موسسان هستند که باید قانون اساسی را تدوین کنند. اما هنوز مدتی از این مصاحبه ها و اعلام نظر دولت نگذشته است که سخن دیگری شنیده می شود. دکتر مفتاح و قطب زاده رسماً اعلام می کنند که مجلس موسسان تشکیل نخواهد شد و تنها به تشکیل جلسه مشورتی اکتفا خواهد شد و سپس متنی که به این صورت تنظیم شد به فرمانده گذاشته خواهد شد. یعنی باز مردم را در مقابل آری یا نه قرار خواهند داد و از آراء قالبی مردم ناگاه سوء استفاده خواهند کرد. اکنون مردم حق دارند از مقامات مسئول سؤال کنند پس این همه حرف که درباره مجلس موسسان زده شد، کجارت؟ مصاحبه های امیر - انتظام و مهندس سبحانی یعنی نمایندگان دولت چه بوده است؟ مگر اینها از طرف هیئت وزراء این حرفها را زده اند؟ سخنگوی دولت چه معنی دارد؟ قانون ۶ ماده ای مجلس موسسان کجا دفن شد؟ مردم از خود می پرسند آخر این مملکت دارد به کجای رود؟

• تصمیمات ناگهانی

آقای مهندس سبحانی و امیران نظام چگونه می توانید توی روی مردم نگاه کنید؟ شاید بگویند مایه تقصیریم. در این صورت چه کسی مقصر است؟ چرا حقایق را برای مردم روشن نمی کنید؟ باور کنید که تاکنون در کشور ما هیچ دولتی این اندازه بی اختیار نبوده است. حتی اکنون هم که این موضوع را اعلام می کنید هیچکس بمردم توضیح نداده است که چرا مجلس موسسان تشکیل نمی شود. بگذریم از اینکه آقای قطب زاده این "مجلس مشورتی" را یک ابتکار انقلابی!! نامیده اند! سؤال می شود اگر تشکیل یک مجلس مشورتی برای تدوین قانون اساسی کافی بود پس چرا قانون برای مجلس موسسان تنظیم گردید؟

اما مجلس مشورتی! این مجلس مشورتی چه صیغه ایست؟ این مشاورین را چه کسی انتخاب می کند؟ اینطور که رسماً گفته شده مردم آنها را انتخاب نخواهند کرد. پس این اشخاصی که مشاورین را انتصاب خواهند کرد چه کسانی هستند؟ همماش ابهام. همه اش بی خبر گذاشتن مردم و ناگهان تصمیمی را اعلام کردن و مردم را در مقابل عمل انجام شده قراردادن، آنهم در مورد مسئله ای به

این اهمیت یعنی قانون اساسی که صادر همه قوانین است و سایر قوانین بر اساس آن تنظیم می شود.

مناسفانه این نحوه عمل مشابه شیوه های سابق است که مردم ایران، مهر باطله به آن زده اند و انتظار ندارند این روش ها بار دیگر تکرار شوند. مردم ایران می خواهند که قانون اساسی این مهمترین قانون کشورشان در محیطی دمکراتیک، در مجلس منتخب مردم مورد بررسی قرار گیرد و به تصویب برسد. در هیچ کجای دنیا تنظیم قانون اساسی به "مجلس مشورتی" واگذار نشده است. این "مجلس مشورتی" اگر هر نامی بر آن نهاده شود، حتی اگر تحت نام "مجلس موسسان" تشکیل شود از نظر مردم ایران مردود است. مجلس موسسان باید از نمایندگان همه شهرها و مناطق ایران که از طریق انتخابات آزاد و مستقیم توسط مردم و به نسبت معقول (مثلاً هر ۵۰ هزار نفر یک نماینده) انتخاب خواهند شد، تشکیل شود. همچنین، قبل از انجام انتخابات مجلس موسسان ضروری است که آزادیهای دمکراتیک برای کلیه احزاب و گروهها و افراد تأمین و تضمین شود. علاوه بر اینها لازم است انتخابات صحیح مجلس موسسان ایجاد شرایطی است که آزادی کامل مطبوعات و انتشارات تضمین شود و احزاب و گروهها بتوانند از وسائل ارتباط جمعی (راديو و تلویزیون) برای تبلیغات سیاسی و بیان نقطه نظرشان استفاده کنند.

• مردم مبارز ایران!

مادر این لحظه تاریخی هشدار می دهیم که کوششهای انحصار طلبانه ای در جریان است تا سندی سراپا اشکال که هیچگونه هماهنگی با محتوای ضد امپریالیستی و دمکراتیک انقلاب ندارد، بنام قانون اساسی به ماتحمیل کنند. همانطور که ما قبلاً نوشتیم از هم اکنون بیدار است که طرح رسمی قانون اساسی که به فرمانده گذاشته خواهد شد چیزی بهتر از "طرح پیشنهادی" منتشره در کیهان نخواهد بود. قانون اساسی ای که بجای تأمین حقوق واقعی مردم ایران گامی به قهقرا برداشته و فاتحه آزادیهای دمکراتیک مردم ایران را خواهد خواند. قانونی که بطور رسمی ماراد موقعیت قبل از مشروطه قرار خواهد داد. بنابراین بر ماست که باتمام قوا برای خنثی کردن کوششهای ضد دمکراتیک و دفاع از دستاوردهای انقلاب به پا خیزیم. باید مسئولین امر را وادار کنیم که مجلس موسسان واقعی را بشرحی که گذشت تشکیل دهند تا نمایندگان منتخب مردم بتوانند یک قانون اساسی مترقی که با مضمون انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک ما در تطابق باشد تدوین و تصویب کنند.

بقیه از صفحه ۱۲

متن می گوید: "افراد ملت اعم از زن و مرد از لحاظ آزادی و حیثیت و حقوق اجتماعی مشروع، در برابر قانون مساوی هستند. برای مردم این سؤال مطرح است که منظور از واژه مبهم "مشروع" چیست؟ آیا مفهوم عام آن یعنی "قانونی" مورد نظر است یا مفهوم خاص آن یعنی "شرعی"؟ اگر منظور از کلمه "مشروع" لفظ "قانونی" باشد این اصل را چنین باید خواند: "افراد ملت ایران اعم از زن و مرد از لحاظ آزادی و حیثیت و حقوق اجتماعی در مقابل قانون مساوی هستند." بروشنی پیداست که کلمه قانونی در این اصل زائد است پس بدون شک نویسند ه "متن پیشنهادی" از آوردن کلمه "مشروع" مفهوم "شرعی" آن را در نظر داشته است. اگر کلمه مشروع در اصل وجود ندارد پس برای اصل ایرادی وارد نبود. تردیدی نیست که قوانین باید صریح و خالی از ابهام باشد تا مردم بتوانند موقعیت خود را در قبال آن ارزیابی کنند. ولی می بینیم که وارد شدن یک واژه نابجا در یک اصل درست، چسب ابهاماتی ایجاد کرده و در نتیجه اشکالات فراوانی برای مردم بوجود خواهد آورد.

قادر است روی هر مقاله هر کتاب و هر ابراز عقیده انگشت بگذارد و با نسبت دادن آنها به یکی از این شروط آنها را مشمول سانسور و ممیزی قرار دهد. بنابراین سانسور ملاحظه می شود که اجرای چنین اصلی آنچنان شرایطی را به وجود خواهد آورد که سانسور و خفقان و سرکوبی بر مراتب وحشتناک تر از دوران آریامیری ایجاد شود.

ابهام رایگان بودن آموزش

برخلاف ادعای اصل ۱۰ "طرح پیشنهادی" که از آموزش و پرورش رایگان و همگانی نام می برد و تحصیلات ابتدائی "رایگان" یک "فریضه" تلقی می کند، ابهامات و نقائص این ماده عملاً طریقه اطمینان بخشی برای آموزش مجانی و همگانی ارائه نداده است. ماده ۳۰ طرح پیشنهادی "چنین می گوید: "همه مردم حق دارند از آموزش و پرورش رایگان و همگانی بهره مند شوند. . . . تحصیلات ابتدائی فریضه است و دولت وظیفه دارد مسائل اجرایی این تکلیف ملی را در سراسر کشور فراهم آورد." این ماده از لحاظ اینکه آموزش و پرورش تاجه سطحی رایگان و همگانی است مبهم است و در مورد تحصیلات

قانون اساسی باید حافظ دستاوردهای انقلاب باشد (۲)

حرفه ای که در دوران ماز اهمیت خاصی برخوردار است سکوت کرده است. در مورد تحصیلات اجباری ناکافی است و از لحاظ برخورد به نحوه اداره آموزش و پرورش نامشخص است. بنابراین در قانون اساسی جدید در اینباره لازم است نکات زیر رعایت شود:

- ۱- باید تصریح شود که آموزش و پرورش از کودکان تا دانشگاه رایگان و همگانی است.
- ۲- دولت باید مراقبت کند که حق مساوی دسترسی به تعلیم و تربیت در سراسر کشور و آموزشهای حرفه ای برای همگان تأمین شود.
- ۳- تحصیلات پایه ای تا پایان دوره راهنمایی برای همگان در شهر و روستا، اجباری است. دولت مکلف است امکانات دسترسی همگان را به آن، بطریق مختلف و با توجه به شرایط مکانی و اقلیمی بر طبق قوانین مناسب، فراهم کند.
- ۴- کلیه موسسات آموزش و پرورش از کودکان تا مدارس عالی، باید دولتی شوند و امر آموزش و پرورش در تمام سطوح در اختیار دولت یا مناطق خود مختار و شوراهای ایالتی باشد.

مجوز تجاوز به حقوق انسانی

برخلاف اصل ۴۲ "متن پیشنهادی" که یکی از بهترین اصول آنست، تصریح می کند که به این ماده اضافه شده است عملاً حقی را که این اصل تضمین کرده نمی کرده و اشکالات جدیدی پدید آورده است. اصل ۴۲ تصریح می کند: "اعمال شکنجه بدنی یا روانی مطلقاً و به هر عنوان و لوبعضاً مجازات یا وسیله بازجویی و ارباب، ممنوع است. اجبار اشخاص به شهادت دادن یا اقرار یا ادای سوگند در هیچ صورت مجاز نیست و اعتبار ندارد. مجازات تخلف از این اصل را قانون معین می کند. تبصره "قصاص و حدود شرعی از این ماده خارج است." متن اصلی ماده فوق بسیار خوب و کامل است ولی در مورد تبصره آن باید گفت که این تبصره بطور مشخص مغایر سمت نوین تکامل اجتماعی - فرهنگی و انسانی انقلاب دمکراتیک مردم ماست، که قانون اساسی باید بیسانگر آن باشد. از لحاظ عملی نیز این تبصره مجوز خطرناکی برای سوء استفاده و تجاوز بحقوق انسانی است. در شماره آینده به تذکر مواردی خواهیم پرداخت که با توجه به مضمون ضد امپریالیستی، ضد سرمایه داری وابسته و ضد دیکتاتوری انقلاب ایران و با توجه به نقش قاطع زحمتکشان در پیروزی این انقلاب می بایست در قانون اساسی جدید ایران ذکر شود ولی در "متن پیشنهادی" به فراموشی سپرده شده است.

اصل هشتم متمم قانون اساسی سابق که در ۲۵ سال پیش بوجود آمده است مترقی و برای اصل "متن پیشنهادی" کاملاً برتری دارد. این اصل اعلام می دارد: "اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متساوی الحقوق خواهند بود."

- ۱- اصل قانون اساسی جمهوری فدرال آلمان اعلام می کند: "همه افراد در مقابل قانون برابرند."
- ۲- مردان و زنان حقوق مساوی دارند.
- ۳- هیچکس را بخاطر جنس، پدر و مادر، نژاد، زبان، محل اصلی تولد، ایمان یا عقاید مذهبی و سیاسی نمی توان مورد رفتار نابرابر قرار داد.

قانون اساسی کشور مسلمان الجزایر نیز در موارد مختلف، و تساوی حقوق افراد خلق صرف نظر از جنس، نژاد، مذهب، حرفه و عقیده سیاسی - اجتماعی را ملاک نمی داند. از جمله در اصل ۳۹ قانون مزبور آمده است که: "کلیه شهروندان (یعنی اتباع الجزایر) از نظر حقوق و تکالیف، مساوی اند."

و با اصل ۴۰ که اعلام می کند: "قانون چه در حمایت، چه در ایجاد تکلیف و چه در مجازات برای همگان یکسان است." بنظر ما در قانون اساسی جدید برای اینکه مردم ایران بطور واقعی دارای حقوق سیاسی و اجتماعی مساوی باشند، باید تصریح شود که مردم ایران اعم از زن و مرد از لحاظ آزادی و حیثیت و حقوق اجتماعی در برابر قانون مساوی هستند.

احتمال سانسور و خفقان

برخلاف ادعای اصل ۳۰ "متن پیشنهادی" قانون اساسی "آزادی واقعی مطبوعات و نشر و بیان عقیده وجود ندارد. اصل ۳۰ می گوید: "مطبوعات و نشر و بیان عقیده جز در مواردی که خلاف عفت عمومی و اخلاق اسلامی و خلاف احکام و مواضع اسلام و هجو و اهانت به اشخاص و نشر اکاذیب و کتب ضلال باشد آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است." اصل بیستم قانون اساسی سابق که یک سوم شروط و محدودیت های این اصل را داشت آن همه سانسور و خفقان و سرکوب برای "مطبوعات و نشر و بیان عقیده" بوجود آورد که همه شاهدش بودیم و الا با این همه شروط اصل ۳۰، کدام مقاله روزنامه، کدام کتاب و کدام گزارش عقیده هست که نتوانند آن را به یکوازه این شروط نسبت دهند. در واقع اگر کسی بخواهد از این ماده سوء استفاده کند

شرایط مشقت بار زندگی يك کارگر ساده

بخارج فرستاد . بروکه بدکتر هاتلفسن می کشم رسیدگی کنند " همین ویس . اکنون ۴۰ روز است که من و مادرش در تهران بلا تکلیف و سرگردان هستیم . شهبین در بیمارستان شرکت نفت بستریست هر روز که می گذرد سرطان بیشتر ریشبه می دواند و شهبین کوچک و قشنگم رابه کام مرگ می کشد . راستی نکند که شرکت نفت بودجه ندارد که فرزند یک کارگر خود را برای معالجه به خارج بفرستد ! آیهانو ز هم در این مملکت هیچ چیز بی ارزش تر از جان آدمی نیست ؟ راستی که قلب این مدعیان انقلاب هم سنگ است و کارگر بی پناه تر از همیشه . بر راستی هیچ چیزی به ما رزانی نشده جز اینکه بعلت مذلت و بدبختی خانواده هایمان ازم بیاشد و خاموش و مطیع در گوشه ای در غم بی پناهی بمیریم .

امروزه عمال و سرپرستان رژیم سابق را بعنوان مفسدين في الارض اعدا می کنند ، درود به دادگاههای انقلاب و دستشان میریزد . این آرزوی دیرینه تمام کارگران و زحمتکشان است که حق غاصبین حقوق مردم مارا کف دستشان بگذارند . ولی از طرف دیگر دلم می خواهد به این سوال من هم جواب داده شود که آیا کسانیکه من و امثال مرا به چنین زندگی درمانده و نکبت باری دچار می سازند از مفسدين في الارض چه کم دارند ؟

در خاتمه از پزشکانی که هنوز قلبشان برای هموطنان زحمتکش می تپد استمداد می طلبم که دختر کوچکم را در بخش ۶ تخت ۲۲ بیمارستان شرکت نفت تهران معالجه کامل نموده و اگر وسایل و امکانات کافی برای معالجه طفلک عزیزم وجود ندارد امکان اعزام وی را برای معالجه قطعی به خارج فراهم کنند ، باشد که پدری رنج کشیده را از غم و اندوهی همیشگی برهانند .

باتقدیر احترام حسین کاظمی
چهرمی

نامه ای از يك روستائی

نامه ای از طرف یکی از اهالی صحنه (در حومه کرمانشاه) بدست ماریسیدکه نویسنده آن یک محصل کلاس دوم تجربی است . بخاطر طرح مشکلات کشاورزی از طرف نویسنده و ارزش آن، بخش هایی از نامه را چاپ می کنیم . نویسنده نامه ابتدا بانام خدا مطلب خود را شروع می کند و پس از محبت های زیاد نسبت به سازمان چنین ادامه می دهد .

"... آنچه می خواستم برای شما بگویم این است که ما یک مالک داریم به اسم سید محمد ملک که بقول خودش "سید" است . در زمان طاغوت پدران ما را شکنجه دادند و آنها را ساعتها جلوی آفتاب نگاه داشتند و در یک زندان انداختند و شکنجه های زیادی شدند . عاقبت تسلیم شدند و آقای ملک با کمک زاندار می زمین ها را به ۳ قسمت تقسیم کرد که بدون گمانیزه کردن قسمتی از آن ۲ قسمت خودش برد و یک قسمت رابه ما ۳ آبادی به اسمهای مال میر سفلی - یکدانگی چقا جانعلی داد . ما اکنون که به کمک شما همه برادران مبارز به پیروزی رسیدیم باردیگر زمینهای خود را شخم زدیم و کشت بهاره انداختیم . او چند بار شکایت کرد که حتی چند بار روحانی نماها به دهات ما آمدند و می گفتند که شما نباید روی این زمینها که مال خودتان نیست کشاورزی کنید و همچنین می گفتند اسلام به کسی اجازه نمی دهد که مال دیگری را تصرف کند در صورتیکه اینها همه اشتباه می کردند چند هفته قبل بود که یک روحانی نما با چند مرد مسلح از طرف کمیته صحنه به دهات ما آمدند و تراکتورهای بیرون آوردند و می خواستند جو و گندمی را که ما کاشت کرده بودیم شخم کنند و لیکن مردمان ما این اجازه را به آنها ندادند . آنها اقدام به تیراندازی کردند و به خیال خودشان می خواستند زحمتکشان ما را بترسانند که شعاری دادند و میباید زمینها همه مال ما باشد یا باید همه زمینها را از ما بگیرند و ما مالک بدهید و بگذارید ما از گرسنگی بمیریم . در حدود روز پنجم اردیبهشت حکمی از طرف کمیته برای ما آمد که باید کلیه زمینها را به ۳ قسمت تقسیم کرد . یک قسمت به ما و ۲ قسمت به مالک داد و وقتی مردم فهمیدند که این برای آنها عادلانه نیست قبول نکردند و نخواهند کرد .

این نامه یک کارگر بر سابقه صنعت نفت ایران است . نامه ای که حکایت از درد و رنج کارگری دارد که تازه نسبت به سایر کارگران ایران از وضعیت بهتری هم برخوردار است . پس می بینیم که در واقع فقط درد خودش نیست ، مصیبتی است که تمام کارگران و زحمتکشان جامعه ما با آن روبرو هستند و گوئی همچنان باید با این مصیبت ها روبرو باشند . شرایط نامناسب کار همراه با وضعیت اسفناک درمانی و بهداشتی کارخانه ها ، زندگی همه آنها و خانواده هایشان را در معرض خطر قرار داده است . در رژیم گذشته که دیکتاتوری اجازه نمی داد حتی نامی هم از حقوق طبقات کارگر به میان بیاید . حالا هم که بقول معروف انقلاب شده است می بینیم دولت نه تنها طرحی برای بهبود وضعیت زندگی و بهداشت کارگران ندارد ، بلکه هرگونه اعتراض حق طلبانه آنها را اخلاکگرای تلقی کرده و به اتهام ضد انقلابی بودن مهر تکفیر بر پیشانی شان می زند .

بدتر می شد و نگرانی ما زیاد تر . تا اینکه اینجانب یک روز مرخصی گرفته به درمانگاه مراجعه کردم و تقاضای عکسبرداری از پای بجه ام را نمودم . آقای دکتر درمانگاه گفت "مگر پای بجه شکسته است کسه عکسبرداری کنیم ." باز هم دفع الوقت کردند تا اینکه کار دبه استخوانم رسید و در بیمارستان سروصداهای انداختم . پس از اینکه مجبور شدند از پای فرزندم عکس برداری کنند پایک اظهار تأسف خشک و خالی گفتند که خطر مهلکی بجه ات را تهدید می کند و باید فوراً به تهران منتقل شود . تازه در تهران بود که به من گفتند دیر آمدی . علت پادرد بجه ات سرطان است و خطر مرگ او را تهدید می کند . آنگاه یادآوری کردند که با این امکانات کاری از ما ساخته نیست .

مگر نه اینکه رئیس محترم شرکت نفت فرموده اند ایران با درآمد نفتی هنگفتش کشور فقیری نیست . بنابراین آسازا و آرا نیست که شرکت نفت فرزند یک کارگر را برای معالجه به خارج بفرستد ؟ مگر ما کارگران شرکت نفت نبودیم که با اعتصاب بات خود شاهرگ حیاتی رژیم منفور پهلوی را قطع کردیم ؟ به هر حال باز هم همان جوابهای سریالای کذافی دست به سرم کردند . چاره ای نداشتم جز اینکه خدمت آقای نریزه بروم و عقده دل خود را برای ایشان بازگشایم . پس از یک هفته وقت گرفتن مرا خدمت ایشان راه ندادند و بجای ایشان هیئت مدیره گفتند که : "به هیچوجه نمی شود بجه ترا

خواهش می کنم صدای حق طلبانه یک کارگر خسته از بار کمر شکن این دنیای رنج و کار را بگوش مردم شرافتمند ایران برسانید . باشد که توجه مسئولین امر را برانگیزد و چنین سرنوشت تلخی هرگز در آینده برای هموطنانم تکرار نشود .

اینجانب حسین کاظمی چهرمی ۳۷ سالست که بعنوان یک کارگر ساده با شماره ۱۱۹۵۵۴ در قسمت حمل و نقل پالایشگاه کاری کنم . کار طاقت فرسا در گرمای کشنده آبادان و هوای سموم پالایشگاه همراه با تحمل شبکاری و شرایط نامساعد کار باعث شده که پنج سال پیش دچار فلج ناقص شوم و سپس به رعشه مبتلا گردم و تقریباً توانائی کار را از دست بدهم . با وجود این نه مراد رستی معالجه کردند نه از ادامه کار معاف کردند . چنانکه همین الان هم مجبورم باتنی علیسل برای تامین زندگی خود و عائله ام کار کنم . شرایط مشقت بار زندگی امروزی برای افرادی مثل اینجانب مقدر کرده است که پشت سر هم طعم تلخ و گزنده بدبختی را مزه کنند . چندی پیش دختر دوازده ساله ام شهبین به درددل پادچار شد ، مادرش به مدت چهار ماه برتبا به پزشکان درمانگاه فرح آباد می کرد و هربار جواب می شنید که " درد مهمی نیست ، ناراحتی موقت است ، بر و خودش خوب می شود " و بعد با پنج عرض مسکن و یک لوله پیمانه اوراد دست به سر می کردند . لیکن روز بروز حال بجه ام

آقای فروهر به هزینه زندگی نگاه کنید

نشریه محترم کار طبق قانون مطبوعات (تعجب ندارد وقتی می گویند طبق قانون کار ، من چرا نکویم قانون مطبوعات) آنرا بدون سانسور چاپ کنید .

سؤال از جناب آقای فروهر وزیر محترم کسب و کار آیا پایه حقوق کارگر ساده بر مبنای هزینه زندگی محاسبه شده است ؟

آقای فروهر ! از اول بهمن ماه سال ۵۷ بیکار شدم . اهمیت ندادم ، زیرا امیدوار بودم . زیرا موظف بودم به ترک کار و اعتصاب به نفع انقلاب طبقه و خلقم . زیرا احساس می کردم تنها اسلحه ای که در دست دارم این است که کار نکنم تا خود ضربه ای هر چند ناچیز بر سر سگان زنجیری و خون آلود امپریالیسم در ایران باشد . بارها وسط خیابانها لاستیک آتش زدم ، بارها با هجوم ارتش ضد خلقی زخمی هارا کول کردم ، بارها با مشت های گره کرده از جلوی تانکها ، زره پوشها ، کلانتری ها شعار دادم (مرگ بر شاه) (درود بر خمینی) و (درود بر فدائی ، سلام بر مجاهد) و هزاران شعار دیگر که حتی بعضی وقتها خودم معنی آنها را هم نمی دانستم ولی می دانستم به نفع انقلاب است و با صدای رسانتکاری کردم .

در جریان بیکاری ، بی پولی فشار آورد فرم را فروختم . باز فشار آورد ، تلویزیون را هم فروختم و باز هم فشار آورد و دیگر چیزی نداشتم که بفروشم . و این هم حداقل هزینه زندگی ماهیانه من وزتم .

محترم سؤال می کنم . آیا پایه حقوق کارگر ساده بر مبنای هزینه زندگی اوست یا هر دم بیلی ؟

ومن بایک محاسبه نادقیق ، حداقل پایه حقوق کارگر ساده را برایتان می نویسم . تا ثابت کنم که قانون شامهم مثل سابق و یاعینا قانون سابق است و فقط به نفع سرمایه داران و برای گرسنه نگهداشتن هر چه بیشتر کارگران

| | |
|--|------------------------------|
| اجاره خانه یک اتاق ۳×۴ در گورد عربهای میدان غار ماهیانه | ۵۰۰۰ |
| نان (فوت لایموت) | ۵۰۰ |
| قند و چای | ۶۰۰ |
| ماست و پنیر | ۵۰۰ |
| گوشت یک کیلو برای هر ماه | ۳۵۰ |
| برنج دو کیلو برای هر ماه | ۱۵۰ |
| روغن سه کیلو برای هر ماه | ۲۱۰ |
| سبزی خوردن (آخر خورشت نمی خوریم) | ۳۰۰ |
| میوه | خدا شهادت نمی خوریم |
| شیرینی | همینطور |
| بدهکاری فروش و تلویزیون که با ضرر فروخته ام و قسطی باید پرداخت کنم ماهیانه تا ۱۸ ماه | ۴۵۰۰ |
| در ضمن ۶ ماه آن پرداخت شده | |
| لباس سالیانه دونفر (۲۰۰۰ ریال) | ۱۰۰۰ |
| تاید و صابون | ۱۵۰ |
| حمام خودم و همسر هر هفته یک مرتبه (خودم ۴۰ ریال ، عیال ۶۰ ریال) | ۴۰۰ |
| مریضی خودم و همسر (روزی یک تومان) | ۳۰۰ |
| کفش سالیانه دونفری (۳۰۰۰ ریال) | ۲۵۰ |
| سلمانی | نمی روم زرم سرم راقچی می کند |
| آرایش زرم | استغفرالله |
| استهلاک وسایل منزل | ۳۰۰ |
| نفت | ۳۰۰ |
| پازلگیم خود دراز کردم (مطبوعات) | ۴۵۰ |
| آب و برق (اگر بخلاف وعده ها پول آب و برق را بگیرند) | ۴۰۰ |
| مخارج ایاب و ذهاب | ۱۰۰۰ |
| جمع | ۱۶۹۶۰ ریال |
| مابه التفاوت قرض و بدهکاری | |
| حالا آقای وزیر کار این است هزینه زندگی من و خدا را شکر کنید که ۴ تا بچشم نداشتم و گرنه بجای سبیل شاخ در می آوردید از لیست هزینه زندگی من | |
| با درود فراوان ، کارگرساده - کریم | |

سخنی با دوستانی که ...

جناب آقای مهندس ریازگان نخست وزیر محترم جمهوری اسلامی ایران رونوشت : جناب آقای داریوش فروهر وزیر محترم کار و امور اجتماعی احترام - اینجانب علی مسعود ساکن شهرستان سقز کردستان مدت ۱۳ ماه از تاریخ ۵۶/۲/۱ لغایت ۵۷/۳/۱ بعنوان خدمتگزار و سرابدار در اداره کار و امور اجتماعی شهرستان سقز استخدام شدم . در این مدت شاهد بودم که اغلب اوقات من باید صرف خرید مشروبات الکلی و لوازم خانه جهت رئیس اداره شود و چون یکبار به این موضوع اعتراض کردم رئیس اداره بالکد و مشت من را از اداره کار بیرون و حکم اخراج را صادر کرد . در این هنگام مبارزات رهایی بخش ملت ایران علیه نظام زوروروتزور گسترش یافت و من فعالانه در این مبارزات شرکت کردم و مدتی هم از سوی ساواک بازداشت شدم اما غمی به خود راه نمی دادم زیرا چنان می پنداشتم با سقوط طاغوت ، عدالت واقعی اجرا خواهد شد . اینک از آن موقع تاکنون به تمام مقامات شکایت کرده ام اما گوئی چیزی تغییر نکرده است زیرا قانون پیمان و مقررات همان است که بود و تنها اقدام انقلابی در اعدام خلاصه شده است لذا بنده نیز تقاضا دارم دستور فرمائید یمن رابه کار خود برگردانند تا از بیکاری رهایی یابم و با بعنوان مفسد فی الارض بنده رابه

خواهیم بود اشعاری را که گروههای مختلف خوانندگان برای ما فرستاده اند (رفقای کارگر ، کارمند ، دانش آموزان و دانشجویان) از یکدیگر جدا و تفکیک کنیم . معیارهای ما برای سنجش شعرها متفاوت خواهد بود ، ما شعرهایی را که در رابطه با خصلت و نوع فرهنگ هر گروه قابل طرح در این ستون باشد ، ارائه و بررسی خواهیم کرد . و برخورد ما با شعرهای این گروهها چنان خواهد بود که در مجموع ، معیارهایی برای خواننده فراهم آید .

نکته دوم آنکه ما در بسیاری موارد نمی توانیم یک شعر یا اثر را که برای ما رسیده بطور کامل چاپ کنیم و تنها بخشی از آن ممکن است چاپ شود . دلیل این امر گاه طولانی بودن آن شعر یا اثر است (با توجه به اینکه امکانات ما در این صفحه محدود است) و گاه ماهیت و کیفیت شعر و احتمالاً ناهماهنگی میان بخش های مختلف آن . امیدواریم دوستانی که اشعار و آثار خود را برای ما می فرستند ، این محدودیت هایی را که در کار ما وجود دارد درک کنند .

جوخه اعدام بسیارید که از شر این زندگی ننگین و نکبت بار و بیکاری خلاص شوم . در انتظار اقدام عاجلانه شما هستم .

با احترام - علی مسعود ساکن سقز
رونوشت روزنامه کار

تاریخچه جنبش کارگری جهان

سرکوب جنبش کارگری در فرانسه و کودتای لوئی بناپارت



پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک خلق عمان

همه این عوامل دست به دست هم داده و موقعیت نیروهای خلق را در مقابل ضد خلق به نحو چشمگیری تغییر داده است.

اخیرا هیئت نمایندگی جنبه خلق برای آزادی عمان برای دیدار از ایران و اعلام همبستگی خلق عمان با خلق ایران و مذاکره با دولت موقت رهبران ایران به میهن ماسفر کرد. در این سفر هیئت نمایندگی جنبه خلق برای آزادی عمان یک خلبان ایرانی را که به اسارت جنبه خلق درآمده بود تسلیم دولت ایران کرد. مقامات ایرانی قول داده اند که از جنبش خلق عمان به رهبری جنبه خلق برای آزادی عمان پشتیبانی کنند. جنبش انقلابی خلق ایران در تمام طول مبارزات عمان پیوسته همبستگی مبارزاتی خود را با خلق عمان نشان داده است. این همبستگی هنگامی تشدید شد که یازده هزار نفر از قوای شاه خائن دست به کشتار خلق دلاور عمان زدند. از جمله این همبستگی ها عملیات نظامی بود که به هنگام سفر سلطان قابوس خائن به ایران توسط سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به مرحله اجرا گذاشته شد. علاوه بر آن جنبش انقلابی ایران همراه با پشتیبانی معنوی از طریق کمکهای مادی بسیاری بصورت پول و دارو که توسط دانشجویان ایرانی در خارج از کشور جمع آوری می شد به سهم خود به مبارزات خلق عمان کمک رساند. سازمانهای انقلابی ملحق ایران نیز با شرکت مستقیم در مبارزات آزادیبخش خلق عمان وظیفه انتر-ناسیونالیستی (بین المللی) خود را به انجام رساندند. در ضمن این نبردهای شجاعانه درجه بندی عمان بود که چنگ تن از مبارزان ایرانی به شهادت رسیدند و خون سرخشان با خون خواهران و برادران

نهم ژوئن (۱۹ خرداد) مصادف است با آغاز پانزدهمین سال انقلاب آزادیبخش عمان.

خلق قهرمان عمان طی چهارده سال گذشته با نبردهای دلورانه علیه رژیمهای دست نشانده عمان، استعمارگران انگلیسی و تجاوزگران ارتش شاه واردن و ... تجربیات بس ارزنده ای اندوخته است. جنبه خلق برای آزادی عمان (P.O.L.O) که رهبری انقلاب عمان را بعهده دارد با بهره مندی از تجربیات شکستنا و پیروزیها اکنون برای آغاز یک حرکت نوین در مبارزه علیه دولت دست نشانده سلطان قابوس و امپریالیستهای حامی اش در موقعیت بسیار مناسبی قرار دارد. سرنگونی رژیم فاشیستی شاه، این ژاندارم خلیج فارس، رژیم دست نشانده سلطان قابوس را در وضع بسیار بدی قرار داده است. هر چند بدستور امپریالیسم آمریکا، برای برگردن خلا خروج نیروهای ایران از عمان، هفت هزار قوای مصری به عمان اعزام شده است و هنوز تعدادی قوای اردنی در این سرزمین هستند و دولتی توازن قوا بطور کلی بضر نیروهایی قابوس تغییر کرده است. اکنون شرایط اقتصادی و اجتماعی در عمان بصورتی است که اکثریت عظیم مردم در مقابل رژیم قرار گرفته اند. اثرات رفمهایی که سلطان قابوس در اوّل دهه ۵۰ (۷۰ میلادی) برای فریب توده هادر عمان شروع کرد از بین رفته و اکنون بحران اقتصادی و اجتماعی روز بروز چهره خود را آشکارتر نشان می دهد.

از طرف دیگر جنبه خلق برای آزادی عمان با جمع بندی اشتباهات و برررسی شکستها و پیروزیهای گذشته به یک سازماندهی نوین دست زده و بیش از هر زمان دیگر برای مبارزه ای سخت و طولانی با رژیم قابوس و امپریالیسم مادگی دارد.

امپراتوری دوم فرانسه را اعلام کرد و خود به مقام امپراطوری رسید. برخلاف انقلاب ۱۷۸۹ میلادی (۱۱۶۸ شمسی) که هر روز قدرت انقلاب زیادتر می شد، انقلاب ۱۸۴۸ از همان ابتدا محکوم به شکست بود. علت آن بود که بورژوازی فرانسه که پس از این انقلاب از قدرت طبقه کارگری ترسید دیگر به نیروی ضد انقلابی تبدیل شده بود. اما در مقابل بیرونی با آنکه قدرت و اراده اش را در قیام ژوئن نشان داده بود، ولی فاقد تجربه سیاسی کافی برای متحد کردن ورهبری اکثریت کارگران بود. کارل مارکس آموزگار بیرونی برای جهان در کتاب "هیجدهم برور، لوئی بناپارت" موقعیت فرانسه و صف بندی نیروها در این زمان مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.



جنگ خیابانی در حومه پاریس (سنت آنتوئین) هنگام قیام ماه ژوئن ۱۷۴۷

اعتصاب کارگران تورینگتون در شمال غربی آمریکا برای اضافه دستمزد

در حدود ۱۳۵۰ کارگر تولیدگر شرکت تورینگتون برای اضافه دستمزد دست به اعتصاب زدند. شرکت تورینگتون که سوزن و بولبری تولید می کند یکی از بزرگترین شرکتهای شمال غربی آمریکاست. کارگران این کارخانه در حال حاضر بطور متوسط ۴۸/۶۰ دلار (۴۸۵ ریال) در هر ساعت دریافت می کنند ولی بعلت تورم و بالا بودن قیمت ها این دستمزد کفاف زندگی آنها را نمی کند. لذا آنها تقاضای اضافه دستمزدی معادل بیش از ده درصد را کرده اند. در مقابل درخواست کارگران کارفرما ها اضافه دستمزدی معادل ۵ تا ۸ درصد را پیشنهاد کرده اند. که با مخالفت کارگران روبرو شده است. در جریان اعتصاب کارگران پلیس دخالت کرد و برای متفرق کردن کارگران که در مقابل درهای ورودی کارخانه اجتماع کرده بودند به خشونت و اعمال زور توسل جست. در جریان این برخورد هایک کارگر بازداشت شد.

لوئی بناپارت از همه فرصتهایی که مقام ریاست جمهوری در اختیارش گذاشته بود استفاده کرد که جمهوریت را از فرانسه براندازد. او در دوم دسامبر ۱۸۵۱ میلادی (۱۲۳۰ شمسی) با کمک ارتش تمام قدرت را بدست گرفت و حکومت مطلقه را برقرار کرد. گروههای کوچک جمهوریخواهان می کوشیدند در پاریس و دیگر شهرهای فرانسه دست به مقاومت بزنند اما اقداماتشان با سرکوبی شدید در هم کوبیده شد. طبقه کارگر فرانسه پس از کشتار دسته جمعی ماه ژوئن دیگر در وضعی نبود که بتواند سلاح بردارد و به مقاومت برخیزد. دیگر نیروی که بتواند جمهوری رانجات دهد باقی نمانده بود. یکسال بعد از کودتا یعنی در دسامبر ۱۸۵۲ جمهوری عملاً برچیده شد. مجدداً رژیم سلطنتی در فرانسه روی کار آمد و لوئی بناپارت با عنوان ناپلئون سوم

قیام ماه ژوئن ۱۸۴۸ میلادی (۱۲۲۷ شمسی) کارگران پاریس با سرکوبی خشن دولت بورژوازی در هم شکسته شد. قصابهای ژنرال کاوا و اینیاک آخرین سنگرهای پاریس را به توپ بستند و با خاک یکسان کردند. ژنرال کاوا و اینیاک کسی بود که سفاکیهای او نسبت به ملت هایبی که مستعمره فرانسه بودند مشهور بود. او پس از در هم شکستن پیکارهای مردم الجزایر اعتباری پیدا کرده بود و اکنون برای سرکوبی کارگران فرانسه اختیار فوق العاده بدست آورده بود. پس از در هم شکستن سنگرهای کارگران جسد ۵۰۰ کارگر در روی سنگفرش خیابانها بر جای ماند. بورژوازی پس از باز یافتن قدرت بورژ و حشینه اش را آغاز کرد و بیست و دو برابر آن تعدادی که در خیابانها کشته بود، یعنی یازده هزار نفر از کارگران را قتل عام کرد.

ریاست جمهوری لوئی بناپارت. طبقه کارگر وفادارترین مدافع دموکراسی و پیشرفت اجتماعی بود و شکست این طبقه در ماه ژوئن ۱۸۴۸ راه را برای موج تازه ای از ارتجاع باز کرد. موقعی که انتخابات ریاست جمهوری فرانسه فرا رسید، بازگشت این موج ارتجاعی کاملاً احساس می شد. یکی از دهه پانزدهم ریاست جمهوری شاهزاده لوئی ناپلئون بناپارت بود. این شخص برادرزاده ناپلئون اول و فردی خوشگذران و عیاش بود.

اوگاه به صفوف سازمانهای زیرزمینی ایتالیاییهای پیوست و در کارهای بی اهمیت شرکت می کرد و گاه به گروه اوپاشان لندنی می پیوست. وقتی پس از انقلاب ۱۸۴۸ بانقشه های جاه طلبانه اش در جستجوی ثروت به فرانسه آمد و تصمیم گرفت از نامش استفاده کند. هیچ کس از گذشته سیاسی او خبر نداشت و کارهایش را جدی نمی گرفت. اما همین موجود غیر سیاسی و "برادرزاده کوچک ناپلئون بزرگ" در انتخابات ریاست جمهوری بیشترین رای را بدست آورد و رئیس جمهور فرانسه شد.

درواقع نام پرابهت او یعنی "لوئی بناپارت" که خاطره پیروزیهای نظامی و حکومت پایدار پادشاهی را در ذهن زنده می کرد باعث شد که بورژوازی بزرگ و قشرهای مرفه دهقانان و خرده بورژوازی شهرها آراء خود را بدهند. کودتای دوم دسامبر ۱۸۵۱ میلادی (۱۲۳۰ شمسی) انتخاب لوئی بناپارت به مقام ریاست جمهوری دوم فرانسه، از همان آغاز نشانه های سقوط جمهوری و ایجاد حکومت مطلقه سلطنتی را در برداشت.

کار

اعزام ۱۰۰ هزار تفنگدار امریکائی به خلیج فارس برای چیست؟

خبرگزاری آسوشیتد پرس چند روز پیش از قول سناتور ژوزف میدن امریکائی گزارش داد که "دولت جیمی کارتر یک نیروی ضربتی ۱۰۰ هزار نفری بمنظور حراست از منافع امریکا در ماوراء بحار بخصوص در خلیج فارس ایجاد خواهد کرد" همین خبرگزاری به نقل از یک مقام وزارت خارجه امریکا اضافه می کند "وجود چنین نیروی در بسیاری از موارد ضروری است و قوت قلبی است برای کشورهای که مورد تهدید قرار می گیرند".

افشای طرح فوق یکبار دیگر بخوبی ماهیت تجاوز کارانه امپریالیسم امریکائی را نشان می دهد. این مسئله روشن می سازد که امریکا به این سادگی حاضر به دست دادن منافع عظیم خود در ایران نیست. هم اکنون منافع سرمایه داران امریکائی نه تنها در ایران بلکه در سراسر منطقه از سوی جنبش های انقلابی تهدید می شود. دولت های مترجم و سگ های زنجیری امریکا در خاور میانه (نظیر رژیم عربستان سعودی) سخت به هراس افتاده اند و خواهان تضمین های قوی تری از سوی امریکا هستند تا به سرنوشت شاه مخلوع دچار نگردند.

تلاشهای جیمی کارتر برای حفظ منافع انحصارات امریکائی در خلیج فارس و اقیانوس هند پس از سقوط رژیم شاه ابعاد وسیعتری پیدا کرده است. امپریالیسم امریکا در داخل ایران توسط عوامل خود به توطئه چینی مشغول است تا جلوی رشد انقلاب را سد کند و در موقع مناسب ضربه اصلی خود را بر جنبش خلق ایران وارد سازد. امریکا با اعزام این نیروی ضربتی ۱۰۰ هزار نفره و طرحهای مشابه تلاش می کند تا از طریق ایجاد رعب و ترس در سراسر ایران و نیروهای متزلزل داخلی، انقلاب را مهار سازد. اما خلقهای قهرمان ایران همانند رزمندگان ویتنام بخوبی ماهیت جنایتکار امپریالیسم امریکائی را شناسند، در مقابل جوشی با این دشمن تجاوزگر همان راهی را انتخاب می کنند که خلق رزمنده ویتنام رفت. ما ایمان داریم که امپریالیسم امریکا هرگز نمی تواند با چنین مانورهایی در داخل خلق ما و آنها که در صاف خلق قرار دارند وحشتی ایجاد کند. خلق ما به اعتبار رزمندگی خود و حمایت خلقهای جهان تا نابودی سلطه امپریالیسم و برقراری حاکمیت مطلق خویش، همواره آماده است تا با حمله ای از آتش و خون پوزه امپریالیسم تجاوزگر امریکا را بخاک بمالد و ویتنام دیگری بر پا سازد.

کارگران مبارز صنعت نفت را بازداشت کردند

حملات وسیع دولت برای سرکوبی کارگران ابعاد تازه ای یافته است. این حملات در وهله اول متوجه کارگرانی است که از حقوق و منافع طبقه کارگر دفاع می کنند و مورد اعتماد و اطمینان کارگران هستند.

در پی بازداشت ۱۷ نفر از کارگران کارخانه نورد اهواز اطلاع یافتیم که دو نفر از کارگران مبارز صنعت نفت که در رهبری اعتصابات فلج کننده بر علیه رژیم منفور شاه فعالیت چشم گیری داشتند، بازداشت شده اند.

دولت اکنون برای سرکوبی کارگران به همان شیوه هائی متوسل شده است که رژیم دیکتاتوری سرنگون شده بر علیه کارگران بکار می برد.

اینست سهم کارگرانی که اعتصابات آنها کمروزم را درهم شکست.

بازداشت کارگران عضو شورای کارخانه نورد اهواز

تعداد ۱۷ نفر از کارگران کارخانه نورد اهواز که اکثر آنها عضو شورای کارگری کارخانه و نماینده منتخب کارگران میباشند توسط دولت بازداشت شده اند.

نحوه بازداشت کارگران بشکلی کاملاً بیشرمانه صورت گرفت. بطوریکه در روز سه شنبه اول خرداد ماه افرادی که مسلح به مسلسل بودند بمنازل مسکونی کارگران یورش بردند و آنها را بازداشت کردند. این اقدامات، در سبب در زمانی صورت میگیرد که دولت بخشناه ضد کارگری خود را خطاب به کارگران انتشار داد.

خانواده های کارگران که بمنظور اطلاع از علت دستگیری سرپرستان خانواده های خود در استانداری اجتماع کرده بودند، جواب مشخصی دریافت نکردند. آنچه که با آنها گفته شده است اینست که دولت صلاح دیده است که کارگران را بمدت دو ماه از کارخانه دور نگهدارند و او به زندان بفرستند. کار دولتی که دفاع از منافع سرمایه داران وابسته را بر عهده گرفته است آنجا کشیده است که خودسرانه کارگران را بازداشت میکند و بسرکوبی آنها میپردازد.

تحصن کارگران آرمه و آرمه تسلا با موفقیت پایان یافت

تحصن حق طلبانه کارگران اخراجی شرکت آرمه-تسا و آرمه، شرکت های وابسته با موفقیت پایان پذیرفت.

این خواستهای عبارت بود از:

- ۱- دریافت ۵۰٪ حقوق از زمان اخراج تاکنون.
- ۲- بازگشت حداقل ۷۵٪ کارگران اخراجی به کار.
- ۳- دریافت تمام مزایا از قبیل حق مسکن - حق اولاد و حق خواروبار.

معرفی یک کارگر...

خشونت کشید. به مدت شش شبانه روز ز عده ای از کارگران در دخانیات متحصن شدند. کم کم تعداد آنها تقلیل یافت و به ۱۷۵ نفر رسید.

سرانجام پلیس با اسلحه به طرف کارگران یورش برد و اعتصاب کارگران درهم شکسته شد. قبل از آن دکتر مصدق نخست وزیر وقت تقی باقری را به حضور خود خواسته و از او پرسیده بود که چرا کارگران اعتصاب کرده اند. تقی باقری در جواب گفته بود که حقشان را می خواهند.

پس از سرکوب این اعتصاب و تحصن پلیس ۶ نفر از فعالترین کارگران را دستگیر کرد و به زندان انداخت. در این هنگام بود که تقی باقری در جزیره خارک

درباره حزب...

طبقه کارگر کافی نیست، بلکه اینراد عمل نیز باید به سایر زحمتکش نشان داد و تنها در این صورت است که آنها رهبری طبقه کارگر را خواهند پذیرفت. لنین در این باره می نویسد:

"خود را" پیشاهنگ" و دسته پیشرو نامیدن کم است. باید عمل هم طوری باشد که همه دسته های دیگر ببینند و ناگزیر معترف شوند که ما پیشاپیش دیگران می رویم... آیا ممکن است نمایندگان سایر "دسته ها" چنان احمق باشند که "پیش آهنگ" بودن ما را در حرف باور کنند؟" و در جای دیگر تاکید می کند:

می توانیم از کارگرانی که ما بپند گفته های یک نفر سوسیال دمکرات را بشنوند جلساتی تشکیل دهیم. ما همچنین باید بتوانیم از نمایندگان همه و هرگونه طبقات مردم، همینقدر که مایل به شنیدن گفته های یک نفر دمکرات باشند جلساتی تشکیل دهیم. زیرا کسی که در عمل

کنگره سراسری...

بقیه از صفحه ۱۲

اقلیتهای مذهبی و قومی برای تعیین خط مشی سیاسی و اقتصادی حکومت تشکیل شود.

کنگره در همین پیام مداخله سناي امریکا را در امور داخلی ایران بشدت محکوم کرده در پایان ابراز تمایل کرده است که هر سال در زادروز دکتر مصدق اجتماع بزرگ حقوقدانان بمنظور پاسداری از حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی تشکیل شود.

پیروز باد...

بقیه از صفحه ۱۰

عمانی در هم آمیخت. از جمله ایس شهدا رفقا فرهاد سپهری و خسرو اردبیلی از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و رفعت افراز از سازمان مجاهدین خلق ایران بودند.

افتخار بر آنها...
مادر آستانه پانزدهمین سالگرد انقلاب عمان بهترین شادباشهای خود را تقدیم خلق قهرمان عمان و سازمان رزمنده شان "جبهه خلق برای آزادی عمان" می کنیم و پیروزی آنان را در سرنوشتی رژیم دست نشاندگان سلطان قابوس و در راه ایجاد عمانی آزاد، آباد و شکوفان آرزو مندیم.

ما به همین مناسبت و برای آگاهی بیشتر خوانندگان از شماره آینده به بررسی مختصری از اوضاع اقتصادی اجتماعی عمان و تاریخچه مبارزاتی این خلق مبارز مبادرت خواهیم کرد.

تبدیل پول...

بقیه از صفحه ۷

نیز چیزی جز کلاهبرداری نخواهد بود. پس کلاهبرداری نیز در معاملات نمی تواند منشاء "اضافه ارزش" باشد. مثال: اگر دو جفت کفش که ارزشی برابر ۱۵۰ تومان دارند با یکدیگر مبادله شوند، ارزش آن ۲۰۰ تومان است مبادله شوند، فروشنده کفش توانسته است ۵۰ تومان سرفروشنده لباس کلاه بگذارد. ولی مجموع هر دو کالا ارزشی برابر ۲۰۰+۱۵۰=۳۵۰ تومان دارند و نمی توانند با کالایی که بیش از ۳۵۰ تومان ارزش دارد معامله شوند. بنابراین کلاهبرداری زود مشخص می شود و نمی تواند برای همیشه و بطور طبیعی ادامه پیدا کند. در این حال فقط شکل تقسیم و توزیع آن فرق کرده است. همچنین فردی که ریاضوار است نیز نمی تواند از طریق مبادله پول با پولی بیشتر "اضافه ارزش" خلق نماید. او فقط ارزش موجود را از جیب شخصی دیگر بیرون آورده و به جیب خودش ریخته است. بنابراین چنین نتیجه می گیریم که "مبادله ارزشهای برابر و نه مبادله ارزشهای نامساوی، اضافه ارزشی ایجاد نمی کند پس اضافه ارزش از مبادله و گردش سرچشمه نمی گیرد" (حدود یک سرمایه ۲۳)

هنوز سؤال مورد نظر مابدون پاسخ مانده است. بالاخره این پول بیشتر از کجای آید؟ اگر مبادله ارزشهای مساوی و مبادله ارزشهای نامساوی منشاء اضافه ارزش نیستند و اگر اضافه ارزش از مبادله و گردش کالا سرچشمه نمی گیرد پس باید آرا در درون خود جریان مبادله جستجو کرد. برای اینکه در پایان جریان گردش (پول-کالا-پول) ارزش بیش از آغاز آن یعنی (پول-کالا-پول بیشتر) بدست آید باید صاحب پول در بازار کالایی خریداری نماید که اضافه ارزش ایجاد کند. بعبارت دیگر وقتی که این کالا مصرف شد، تولید اضافه ارزش نماید. پس باید کالایی وجود داشته باشد که مصرف آن ارزش تولید کند و این ارزش بیشتر از ارزشی باشد که برای پول پرداخت گردیده است. این کالایی استثنائی چیست؟ این کدام کالایی است که مصرف آن ارزش تولید می کند؟

این کالای "ارزش زای و بی-زده" نیروی کار انسانی است. "نیروی کار پادارائی کار" عبارتست از مجموع توان فکری و جسمی انسان که برای تولید کالا مصرف می شود.

وقتی که نیروی کار توسط کارگر فروخته می شود و در جریان مورد استفاده کارفرما قرار می گیرد صاحب پول و تولید کننده ساده به سرمایه دار تبدیل می گردد.

در شماره آینده چگونه تبدیل نیروی کار انسان به کالا را مورد بررسی قرار داده و سپس به مسئله ارزش اضافی خواهیم پرداخت.

دو هزار کارگر گروه صنعتی بهشهر به کار فرما ده روز مهلت دادند

تحصن بیش از ۵۰۰ کارگر کلیه کارگاههای وابسته به گروه صنعتی بهشهر که از پنجم خرداد شروع شده بود، سه شنبه ۸ خرداد با اعلام یک مهلت ۱۰ روزه برای رسیدگی به خواسته های آنها پایان یافت.

نمایندگان دو هزار نفر از کارگران کارگاههای صنعتی بهشهر در شهرهای دزفول، خرم آباد، اصفهان، همدان، شیراز، زنجان و سرخس که از ۴ ماه پیش تاکنون حقوق نگرفتند طی هفته گذشته در دفتر گروه صنعتی بهشهر در خیابان فشر آباد دست به تحصن زدند. عصر دوشنبه نماینده وزارت کار ضمن شرکت در جلسه کارگران درباره مشکلاتی که سهامداران اصلی گروه صنعتی بهشهر (برادران لاجوردی، خادم، رحمانی کیا) با آن

روبرو هستند توضیح داد و از کارگران خواست که با گرفتن نفی ۱۰۰۰ تومان مهلتی ۱۰ روزه به کارفرما بدهند تا مدیران شرکت بتوانند به خواسته های آنها رسیدگی کنند.

کارگران نیز با قبول این مهلت پذیرفتند که به شهرهایشان بازگردند و اعلام کردند که در صورت عدم رسیدگی به خواسته هایشان مجدداً دست به تحصن خواهند زد.

دو هزار کارگر گروه صنعتی بهشهر را بیشتر کارگران فنی، تاسیسات و کارهای ساختمانی تشکیل می دهند که گروهی قراردادی و گروهی استخدام رسمی می باشند. حداقل حقوق کارگران در این کارگاهها ۳۵ تومان در روز است و در بین آنها تعدادی کارگر نوجوان نیز وجود دارد.

همه مستشاران خارجی باید اخراج گردند

قانون اساسی باید حافظ دستاوردهای انقلاب باشد

در شماره قبل درباره قانون اساسی و مضمون محتوای انقلاب و اینکه قانون اساسی جدید ایران باید حافظ دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری وابسته و دموکراتیک خلقهای ایران باشد، سخن گفتیم. در این شماره و شماره بعد به حقوق و آزادیهای مردم ایران که باید در قانون اساسی منعکس شود می پردازیم.

فصل حقوق اساسی و دموکراتیک مردم، از مهمترین فصلی است که حداقل یک قانون اساسی مترقی ر از یک قانون اساسی ارتجاعی مشخص می کند. کیست که مفهوم آزادی را بشناسد و در هر قانون اساسی، بلافاصله به فصل "حقوق ملت" بعنوان محک تحقق یا عدم تحقق این خواست طبیعی خود، مراجعه نکند؟

متأسفانه "متن پیشنهادی قانون اساسی" منتشره در کیهان در زمینه "حقوق ملت ایران" قادر نیست که پاسخ لازم را به این خواست بدهد، زیرا تمایلات انحصار طلبانه، تنگ نظرانه و سلطه جویانه ای که در این "متن" پیشنهادی تبلور یافته، سبب شده است که مردم ایران عملاً از جهت حقوق سیاسی و اجتماعی از آزادی کامل و مساوی برخوردار نباشند.

قبل از اینکه بعنوان نمونه، نظری گذرا به چند اصل از فصل "حقوق ملت ایران" ببینیم لازم است یاد آوریم که متن در این فصل چند اصل خوب نیز وجود دارد که با راههای تغییرات جزئی می تواند در قانون اساسی جدید جای خود را داشته باشد. این اصول عبارتند از: اصول ۲۸ و ۲۹ و اصول ۳۷ تا ۴۱ "طرح پیشنهادی".

اغلب این اصول در متن قانون اساسی سابق نیز وجود داشته و از

کنگره سراسری کانون وکلای دادگستری

قدم مثبتی در جهت مقابله با محدود کردن آزادیها

کنگره سراسری وکلای دادگستری از پنجم تا هفتم خرداد در تالار اجتماعات کاخ دادگستری تشکیل شد. تشکیل این کنگره در شرایطی که کوششهای انحصار طلبانه برای محدود کردن آزادیهای مردم در همه زمینه ها و بخصوص در قانون اساسی جدید ایران صورت می گیرد، قدم مثبتی در جهت افشای این کوششها و حرکتی مثبت برای مقابله با آن بود. مسئله چگونگی تدوین و تنظیم قانون اساسی در محیطی آزاد و دموکراتیک و بررسی و تصویب حتمی این قانون در مجلس موسسان موضوع مورد بحث اکثریت وکلای شرکت کننده در کنگره بود.

در پایان کنگره پیامی خطاب به مردم ایران و قطعنامه ای در ۱۶ ماده به تصویب رسید. نکات اساسی قطعنامه درباره قانون اساسی و مجلس موسسان چنین است:

طرح قانون اساسی باید هر چه زودتر در معرض افکار عمومی قرار گیرد. باید بوسیله مجلس موسسان به تصویب برسد.

نیروهای مترقی پشتیبان هئیت تحریریه مبارز کیهانند

در حالیکه اعضای مبارز هئیت تحریریه کیهان، یکماهه اعتصاب قاطع راپشت می گذارند، همچنان سازمان ها و گروههای مبارز و مترقی از خواستهای برحق این روزنامه نگاران دفاع کرده و برای آنان پیام همبستگی و پشتیبانی می فرستند. گروهی از کارگران و کارکنان روزنامه کیهان طی نامه سرگشاده ای اقداماتی را که در جهت سرکوب روزنامه نگاران به عمل می آید سرزنش کرده و خواهان بازگشت ۲۰ روزنامه نگار مبارز شده اند. این نامه سرگشاده ضمن تاکید بر امر تصفیه عوامل رژیم سابق رادرمطبوعات، گروه ۲۰ نفری هئیت تحریریه رافراد می مبارز می خواند که در مبارزه با رژیم ننگین پهلوی شرکت داشته و می افزاید:

"عده ای از آنها سالها در زندانهای شاه بوده و یا ممنوع القلم شده بودند. همکاران این گروه مبارز از شرکت فعال آنان در اعتصاب ۶۲ روزه مطبوعات نام می برند و تهمت ضد انقلابی زدن به چنین افرادی را قویاً محکوم می کنند. شریه کار ضمن پشتیبانی از خواست های برحق هئیت تحریریه مبارز کیهان همبستگی خود را با اراده انقلابی همه نهائی که در راه مبارزه با اقطاع و جعل لحظه ای به سازش و تسلیم تن در نمی دهند، اعلام داشته و ایمان دارد که با اتحاد و همبستگی گروههای پیشرو و سرختم مبارز قادر خواهیم بود دسیسه های دشمنان آزادی و استقلال ایران را خنثی کنیم."

آیا دموکراسی...

بقیه از صفحه ۱

جناحهای مختلف سرمایه داران بسته به توان اقتصادی و سیاسی خود در قدرت حاکم سهم می شوند. استقلال نسبی هر یک از نهادهای اجتماعی و آزادی رقابت برای گروه بندیهای سیاسی موجب می شود که دموکراسی بورژوازی قابلیت انعطاف زیادی پیدا کند. دموکراسی بورژوازی در حالیکه دموکراسی بین خود سرمایه داران را حفظ می کند بطور غیر آشکار برزحمتکشان و بخصوص طبقه کارگر دیکتاتوری اعمال می نماید.

در هنگام بحران اقتصادی-سیاسی و اوچگیری مبارزات مردم، بورژوازی با تکیه بر دستگاه سرکوب (مثل ارتش یا پلیس) و وظایف دیگر موسسات رادرا این شاخه متمرکز می نماید. در چنین حالتی مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی تحت سانسور قرار می گیرند. حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی بشدت محدود می شود. مجلسین ممکن است منحل گردند و دادگاههای نظامی جای دادگاههای عادی را بگیرند و در یک کلام دیکتاتوری عریان ترورستی جانشین دموکراسی بورژوازی گردد. یعنی در حقیقت دیکتاتوری پوشیده و غیر آشکار بورژوازی جای خود را به دیکتاتوری آشکار می دهد. چنین حالتی در جوامع سرمایه داری کلاسیک تنها در شرایط بحرانی و هنگامیکه رژیم کنترل خود را در اعمال حاکمیت به شیوه ظاهراً دموکراتیک از دست بدهد، بوجود می آید و نوعی استثناء بشمار می رود.

اما در جوامع وابسته، قضیه درست برعکس است. در این جوامع حالتی دموکراتیک یا شبه دموکراتیک کاملاً در شرایط استثنائی بروز می کند و دیکتاتوری عریان ترورستی شکل پایدار و باثبات حکومتی بشمار می رود. علت این امر چیست؟

در جوامع وابسته گسترش دامنه نفوذ امپریالیسم بارشد مستقل این جوامع در تضاد قرار گرفته و از همیمن رو استقرار و رشد وابستگی تنها از طریق اعمال قدرت و دیکتاتوری آشکار امکان پذیر است. در ایران گسترش سرمایه داری وابسته نه بر مبنای ضرورت تکاملی سیستم بلکه بر اساس احتیاجات امپریالیسم جهانی به وجود آمده است. امپریالیسم جهت تضمین سود برای سرمایه های خود و استثمار منابع طبیعی و انسانی کشور نمی توانست و نمی تواند از روشهای دموکراتیک استفاده نماید. از اینرو استقرار مناسب سرمایه داری وابسته و حفظ و تعمیق وابستگی نیاز به یک قدرت متمرکز و سرکوبگرانه رادارد که بتواند آنرا بر جامعه تحمیل نماید. حدت و عمق تضادهای اجتماعی در جامعه ما (و سایر جوامع وابسته) آنچنان است که کمترین روزنه دموکراتیک و شل شدن زنجیرهای دیکتاتوری منجر به گسترش مبارزات مردم گردیده و کل سیستم را به مخاطره می افکند.

بنین درجه گسترش نفوذ امپریالیسم با درجه تمرکز قدرت و اعمال دیکتاتوری عریان تناسبی مستقیم وجود دارد. دموکراسی نیم بند سالهای ۳۲-۳۳ تا ۳۴-۳۵ ششاد حاکمیت امپریالیسم در ایران را، به مخاطره افکند و از همیمن رو کودتای ننگین ۲۸ مرداد، مجدداً دیکتاتوری امپریالیستی محمد رضا شاه رادرمیمن ما حاکم کرد. گسترش بحران اقتصادی و سایر عوامل داخلی و خارجی در سالهای ۴۲-۴۳ دورانی از آزادیهای نسبی را به همراه آورد که بنوبه خود منجر به رشد شدید مبارزات مردم گردید و سرکوب خونین جنبش خلق در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به این دوران پایان داد.

پس از سال ۴۲ بموازات گسترش نفوذ امپریالیسم، رشد تمرکز قدرت دولتی به وجود می آید که با انحلال احزاب فرمایشی و شسته ساخته و ایجاد حزب رستاخیز به اوج خود می رسد و سپس دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم بدست توانمندی خلق سرنگون می شود. هم اکنون نیز بخوبی مشاهده می شود که امپریالیسم جهانی از آزادیهای که با خود هزاران شهید بدست آمده است، بدون زیان می بیند و درصدد توسطه برای نابودی آنست. در حالیکه مناسبات سرمایه داری وابسته همچنان پابرجاست و دیر یا زود می بایست شکل طبیعی خود را بازیابد.

پاسخ به نامه ها

رفیق، سازمان در بدترین شرایط دیکتاتوری و اختناق نشریات خود را منتشر می کرده است. و حالا نیز با اعتقاد به لزوم چاپ و انتشار "کار" اینکار را بطور حتم ادامه خواهد داد. و فعلاً هفته بی یکبار بطور منظم منتشر خواهد شد.

پرسیده بی که "کارگرانی که بیسوادند، چگونه می توانند از این روزنامه استفاده کنند؟" می گوئیم به دو طریق: ۱- سواد آموزی. همه ما وقتی خود تو که سواد داری، موظف هستیم که به آنها حداقل خواندن و نوشتن را یاد بدهیم. ۲- با سوادها (مثلاً خودتو) می توانند روزنامه را برای کارگران بی سواد بخوانند و حتماً تو اینکار را می کنی.

موفق باشی

از زمانی که نشریه "کار" چاپ و منتشر شد، نامه های متعددی از طریق دفاتر یا بطور مستقیم برای ما ارسال شده است و در آنها سئوالاتی مطرح کرده اند.

متأسفانه تاکنون فرصتی پیش نیامده بود تا به این نامه ها جواب کتبی داده شود. ماضن پذیرش این انتقاد می کوشیم از این بعد تا آنجا که برایمان از نظر جا محدودیتی نباشد، به سئوالات این رفقا پاسخ بدهیم. به همیمن منظور دونا مه زیر انتخاب و پاسخ داده شده است.

کرج - رفیق حسین
تو با طرح سئوالهایی "از زبان پدر و مادرت و مقداری هم از آن خودت" صداقت و توجه خود را به ما نشان داده ای. همیمن توجه ما به خوشحالی ماست.
پرسیده بی "بودجه این روزنامه از کجا تامین می شود؟ آیا از بیت المال است یا بودجه مخصوصی برای آن تعیین شده است؟"
خیلی ساده بگوئیم "از محل فروش خود روزنامه "کار" - پرسیده بی "آیا روزنامه "کار" ادامه خواهد داشت و بطور دائم چاپ و منتشر می شود یا نه؟"

| نام کتاب | نویسنده | مترجم |
|--|-------------------|--------|
| اصول فلسفه مارکسیسم | آفاناسیف | سازمان |
| اصول مقداتی فلسفه | ژرژ بولیت زر | " |
| درسهای قیام مسکو | لنین | " |
| تاریخ مختصر حزب کمونیست شوروی (بلشویک) | حزب کمونیست شوروی | " |
| درسهایی از حزب کمونیست چین | چین | " |
| بخشی از رشد سرمایه داری در روسیه | لنین | " |
| دولت و انقلاب | لنین | " |
| چه باید کرد | لنین | " |
| انقلاب و ضد انقلاب | مارکس | " |
| جنگ داخلی در فرانسه ۱۸۷۱ | مارکس | " |
| انقلاب و بتنام | لهدوان | " |
| دواثر از تجربه و بتنام | تروئین و... | " |

ب - آثاری که بعد از قیام با علامت مشخص انتشارات سازمان منتشر شده است:

دانش سیاسی - رفیق شهید حمید اشرف (ح - امید)

منشاء خانواده و دولت - انگلس رفیق شهید مسعود احمد زاده

ماتریالیسم دیالکتیک - موریس کنفورث سازمان

آنتی دورینگ - انگلس

ماتریالیسم تاریخی - انگلس

روانشناسی اجتماعی و تاریخ - پورشف

ماتریالیسم و امپریالیسم - لنین

برگزیده آثار - روزالوکزا مبورک

تاریخچه اول ماه مه - لنین

برگزیده آثار مارکس و انگلس درباره حزب - لنین

درباره مسئله رهایی زنان - لنین

«وقتی که کارفرما و شورا یک حرف میزنند»

حالی که جلوی مفتخورهایی مثل اکرمی - شاقی، عشقی و... رانمی گیرد که هنوز هم حقوق اینها که حاصل زحمات ما کارگران است پرداخت می شود. در ضمن در جلسات عمومی بجای صحبت از مسائل کارگری و اظهار نظر خواستن از کارگران به ماتمیت ضد انقلابی می زند یعنی همان رفتار ضد کارگری کارفرما را تکرار می کند. پس شورای کارفرما می استند کارگری و شورای کارفرما می بندد ر د مانی خود. شورا باید خواست کارگران را جواب بدهد. اگر نمی تواند باید استعفا کند.

فکر می کردیم که بعد از انقلاب (که ما کارگران بیشترین سهم را در آن داشتیم) بوسیله شورا و با پشتیبانی خود ما خواستهایی را که سالها با خاطر ش مبارزه کردیم بدست می آوریم. حال حرفی بنیم که شورا به خود دیگری همان حرفهای کارفرما را می زند. شورا همیشه ما کارگران می گوید. کارخانه ملی شده (آبازبول کارخانه به اصطلاح ملی شده باید پول کرایه خانه امیریکاییها را بدهند؟) و با می گویند کارخانه مال خود شاست، تولید را زیاد کنید، جلوی ضایعات را بگیرید. شورا به ما تهمت می زند که همراه کارتن یاخته ای که می برید جنسی را هم می دزدید. در

مرگ بر امپریالیسم امریکا و وابستگانش